

Content analysis of the theory of progress in Ayatollah Khamenei's thought and its boundaries with theories of development

Sayed Ahmad Hosaini*

Sayed Majid Motahari nejad**

Sayed Hosain Hosaini***

Received: 2021/04/06

Accepted: 2021/09/14

Abstract

Today, development has become one of the main goals and aspirations of human societies, which has influenced most of the policies, structures and programs of different countries. On the other hand, the crisis of meaning in developed societies and the crisis of structure in underdeveloped societies are serious and complex issues that have led to imbalances in the continuum of development. While developed countries in terms of cultural relations and internal identity are in the circle of group interests and beyond in terms of external relations with different human societies are in the circle of national interests regardless of the conditions and needs of other countries. And they are pumping the crisis of meaning into all human societies, the underdeveloped and developing countries are constantly changing all their social structures to be thrown to a level beyond development, and in the maze of theories, They get caught up in their own development patterns and plans. In this regard, the present article examines the various schools of development in the world and then, by presenting the foundations of progress in the thought of the Supreme Leader of the Islamic Revolution of Iran, Ayatollah Khamenei, tries to compare the components of this new school with existing schools in the world. Therefore, relying on the library method, common patterns of development in the West along with emerging models of development, as well as the principles and components of development in the intellectual system of Muslim thinkers and revolutionary leaders of Ayatollah Khamenei have been extracted and In order to explain and extract the network of themes of the principles of progress in the mental

* Master of Islamic Education, Culture and Communication, Imam Sadegh University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

motahari@isu.ac.ir

** Scientific member of the Department of Culture and Civilization, Faculty of Islamic Education and Culture and Communication, Imam Sadegh University, Tehran, I.R.Iran.

Sah.hosaini@isu.ac.ir

*** Master of Media Management, University of Tehran, Tehran, I.R.Iran.

Shh.hoseini@ut.ac.ir

geometry of the Supreme Leader of the Revolution, his statements and writings in two areas of principles and pragmatic strategies of progress have been analyzed by content analysis and finally compared with other schools of development in a comparative study table. Ayatollah Khamenei's school of progress in general has six central components: Sharia-based and excellence-oriented, efficient and dignity-oriented social relations: in the field of justice, health, communication, etc., based on the presence of the nation-state, indigenous, The idea of the foundation has cultural-economic foundations.

Keywords: Theories of Development, Theory of Progress, Ayatollah Khamenei, Islamic Republic of Iran.



تحلیل مضمون نظریه پیشرفت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای زیدعزه و مرزهای آن با نظریه‌های توسعه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

سیداحمد حسینی*

سیدمجید مطهری نژاد**

سیدحسین حسینی***

چکیده

امروزه توسعه‌یافتگی یک از اهداف و آرمان‌های اصلی جوامع بشری شده است که تقریباً اغلب سیاست‌ها، ساختارها و برنامه‌های کشورهای مختلف را تحت تأثیر خود قرار داده است. این در حالی است که از سویی بحران معنا در جوامع توسعه‌یافته و بحران ساختار در جوامع توسعه‌نیافته، مسئله‌ای جدی و پیچیده‌ای است که منجر به بی‌تعادلی در پیوستار توسعه شده است. درحالی‌که کشورهای توسعه‌یافته از حیث روابط فرهنگی و هویتی درونی در چنبره منفعت‌مداری ملی بدون توجه به شرایط و نیاز کشورهای دیگر گرفتار شده‌اند و بحران معنا را به تمام جوامع انسانی پمپاژ می‌کنند، کشورهای توسعه‌نیافته و درحال توسعه تمام ساختارهای اجتماعی خود را برای پرتاب‌شدگی به سطحی فراتر از توسعه، دستخوش تغییرهای پی‌درپی می‌کنند و در هزارتوی نظریه‌ها، الگوها و برنامه‌های توسعه خود را گرفتار می‌کنند. ناظر به این مهم، مقاله حاضر مکاتب گوناگون توسعه در جهان را بررسی کرده و به دنبال آن با ارائه مبانی پیشرفت در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران آیت‌الله خامنه‌ای، سعی شده است مؤلفه‌های این مکتب جدید با مکاتب موجود در جهان مقایسه شود. لذا با تکیه بر روش کتابخانه‌ای الگوهای رایج توسعه در غرب به‌همراه مدل‌های نوظهور توسعه و همچنین مبانی و مؤلفه‌های توسعه در منظومه فکری اندیشمندان مسلمان و رهبر انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای استخراج شده و در راستای تبیین و استخراج شبکه مضامین مبانی پیشرفت در هندسه ذهنی رهبر انقلاب، بیانات و

* کارشناس ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
Sah.hosaini@isu.ac.ir

** عضو هیئت علمی گروه فرهنگ و تمدن دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
sm.motahari@isu.ac.ir

*** کارشناس ارشد مدیریت رسانه دانشگاه تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
Shh.hoseini@ut.ac.ir

مکتوبات ایشان در دو حوزه مبانی و راهبردهای عمل‌گرایانه پیشرفت با روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل شده و در نهایت در یک جدول مطالعه تطبیقی با مکاتب دیگر توسعه مقایسه شده است. مکتب پیشرفت آیت‌الله خامنه‌ای به‌طور عام دارای شش مؤلفه محوری می‌باشد: شریعت‌محور و تعالی‌محور، مناسبات اجتماعی کارآمد و کرامت‌محور؛ در حوزه قضا، سلامت، ارتباطات و...، متکی بر حضور دولت - ملت، بومی، اندیشه بنیاد، دارای مبانی فرهنگی - اقتصادی.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، جمهوری اسلامی ایران، نظریه پیشرفت، نظریه‌های توسعه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

زندگی اجتماعی جوامع بشری پیوندی ناگسستنی با کمال‌خواهی و آرمان‌طلبی دارد. در نضج و اوج هر تمدن و نظامی رشحاتی از تعالی‌خواهی به چشم می‌خورد و از آنجایی که این میل غریزی در بستری اجتماعی رخ می‌دهد، لاجرم تعارض منافع انسانی را در پی دارد. به عبارتی دقیق‌تر هر فردی در راه رسیدن به کمال مطلوبش می‌کوشد و با وجود بستر اجتماعی برای دستیابی به این کمال‌ها، تراحم منافع در جامعه به وجود می‌آید. این تقابل در سطح کشورها، سه‌نمره را در پی خواهد داشت: یا منجر به دادوستد عادلانه می‌شود، یا منجر به روابط استعماری بین جوامع پُرمنفعت و کم‌منفعت می‌شود و یا به جنگ‌ها و تخاصم‌های بین‌المللی می‌انجامد. نظریه‌های نوسازی با تأکید بر ضرورت تغییر در فضای جهانی و با داعیه ایجاد نظام دادوستد عادلانه در سطح جوامع مختلف، پا به عرصه حکمرانی جهانی گذاشتند، اما به مرور معلوم شد که اصلی‌ترین راهبرد این نظریه‌ها، ایجاد الگوی نوین استعماری در ارتباط بین کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته بوده است و بلکه بسیاری از جنگ‌های بین‌کشوره‌های مختلف در ذیل همین راهبرد استعماری قابل تبیین می‌باشد. اگرچه نظریه‌های وابستگی در اعتراض به مکتب نوسازی، به شکل‌گیری نسل جدیدی از نظریه‌های انتقادی در مسیر توسعه کشورهای جهان سومی پرداخت، اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و اصلیت‌بخشی نهاد دین در فرایند حکمرانی، نوع مواجهه رهبران انقلاب با نظریه‌های توسعه به نحو جدی متحول شد. سؤال اصلی این پژوهش به تبیین چیستی نظریه پیشرفت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای و مرزهای آن با نظریه‌های توسعه غربی بازمی‌گردد.

۱. روش پژوهش

پژوهشگر در این مقاله، به قصد استخراج مفهوم توسعه و پیشرفت در اندیشه رهبر جمهوری اسلامی ایران و بررسی تطبیقی آن با نظریه‌های توسعه در دوره‌های زمانی مختلف در اندیشه غربی، با استفاده از روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری داده پرداخته و سپس جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت نیل به مضامین نظریه پیشرفت از منظر رهبر انقلاب اسلامی از روش تحلیل مضمون بهره برده است. «از تحلیل مضمون می‌توان به‌خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد» (شیخ‌زاده و

دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۱). تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع تحلیل را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006, p. 86)، البته برخی نیز معتقدند که تحلیل مضمون، تنها روش کیفی خاص نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۳). این مقاله متناسب با پارادایم تفسیرگرا، از رویکرد کیفی در پژوهش خود بهره می‌برد و از این جهت اکتشافی بوده و فاقد فرضیه می‌باشد.

۲. پیشینه پژوهش

با مرور ادبیات پژوهش پیش‌رو در منابع موجود، اگرچه مقاله‌های خوبی در خصوص نگرش رهبران انقلاب اسلامی به توسعه و پیشرفت ارائه شده است، اما مقاله‌های مذکور، در ارائه چهارچوب مقایسه‌ای بین نظریه پیشرفت رهبر انقلاب اسلامی و نظریه‌های توسعه غربی ورودی نداشته‌اند. برخی از مقاله‌های مرتبط عبارت‌اند از: تیموری، روح‌اله؛ عبدالله‌زاده، حسن و کاوه پیشقدم، محمدکاظم (۱۳۹۵). تعریف پیشرفت و راه‌های رسیدن به آن از دیدگاه مقام معظم رهبری «آیت‌الله خامنه‌ای» بر اساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، مجله مطالعات تحول در علوم انسانی، (۶)، ۱۰۴-۱۱۸.

کشتکار، مهران (۱۳۹۶). شناخت رهیافت‌های حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص الگوی پیشرفت، مجله مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، (۱)، ۱۴۰-۱۶۶.

جعفری‌نژاد، مسعود و بهمن، شعیب (۱۳۹۶). جایگاه عدالت در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و الگوی لیبرالی توسعه با تأکید بر آراء آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله). پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۱۱(۵)، ۱۳۷-۱۶۱.

اسماعیل‌زاده، محمد (۱۳۸۹). بررسی مبانی و مفهوم توسعه از دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) به‌منظور تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. معرفت، ۱۵۷(۱۹)، ۶۷-۶۶.

دیانت، محسن و نجات‌پور، مجید (۱۳۹۶). توسعه از دیدگاه جریان اسلامگرایی شریعتمدار پس از انقلاب اسلامی. رهیافت انقلاب اسلامی، (۴۱)، ۱۳۳-۱۵۵.

چهاردولی، عباس (۱۳۹۴). کاربردی عملیاتی در کاربردی‌سازی علوم انسانی اسلامی

«ارائه الگوی مهندسی فرهنگی راهبردی با رویکرد سیستمی بر مبنای اندیشه‌های رهبر معظم حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)». مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، ۳(۱)، ۱۹۷-۲۳۴.

سوادی، عصمت (۱۳۹۴). مدیریت فرهنگی و توسعه از دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه). پژوهشنامه متین، ۶۸(۱۷)، ۲۳-۴۲.

عزتی، مرتضی (۱۳۷۵). رابطه فرهنگ و توسعه از دیدگاه حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه). نامه پژوهش فرهنگی، ۱(۱)، ۹-۳۴.

موسوی‌پور، سیدفرید (۱۳۸۲). فرهنگ و توسعه از دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه). نمایه پژوهش، ۲۵(۷)، ۲۴۹-۲۸۲.

به‌طور کلی وجه افتراق پژوهش حاضر با مقاله‌های یافت شده در موارد زیر می‌باشد:

۱- مطالعه ادبیات پیشرفت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه یک نظریه نوین در

مواجهه با نظریات توسعه غربی

۲- بررسی مرزهای نظریه پیشرفت با نظریه‌های توسعه غربی در منظومه فکری

آیت‌الله خامنه‌ای.

۳. نظریه‌های توسعه

برای کسانی که از نظریه‌های توسعه و تاریخ شکل‌گیری آنها اطلاعات دقیقی ندارند، ممکن است مفهوم توسعه به‌عنوان یک ایده اولیه و بنیادین در سیر تحولات تاریخی جوامع غربی محسوب شود، اما نظریه‌های توسعه در واقع نظریه‌های نسبتاً جدیدی هستند که طول عمر آنها به‌حدود هفتاد سال قبل و پایان جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. مکتب نوسازی به‌عنوان نسل اول نظریه‌های توسعه در دهه ۱۹۵۰ شکل گرفت و پس از آن در دهه ۱۹۶۰ شاهد شکل‌گیری نظریه‌های انتقادی وابستگی نسبت به نظریه‌های نوسازی می‌باشیم و بالاخره از اواخر دهه ۱۹۷۰، با مکتب نظام جهانی در توسعه مواجه می‌شویم و به‌مرور «از اواخر دهه ۱۹۸۰، هر سه مکتب به‌سمت نوعی تقارب و همگرایی پیش می‌روند» (سو، ۱۳۹۳، ص. ۲۰). تمام این نظریه‌ها و مکتب‌های مختلف توسعه در پی ارائه نسخه‌ای نجات‌بخش برای کشورهای به اصطلاح جهان سوم و ایجاد نوگرایی در آنها می‌باشند.

۳-۱. رویکرد نوسازی

ادبیات و کلیدواژه‌های مخصوص نظریه‌ها و رهیافت‌های توسعه، از قرن بیستم نمایان شد. در واقع ابتدای این قرن، آغاز نظریه‌سازی مفهوم توسعه بود. اولین نگاه نظری که به مفهوم توسعه پدیدار گشت، دارای دو دال مرکزی بود: یکی پشت‌سر گذاشتن سنت و دیگری تأکید بیش‌ازحد به نقش اقتصاد در توسعه که به اصطلاح به‌نام رویکرد نوسازی شناخته می‌شود.

مکتب نوسازی را می‌توان محصول تاریخی سه رویداد مهم در دوران بعد از جنگ جهانی دوم به‌شمار آورد. اولین رویداد، ظهور ایالات متحده به‌عنوان یک ابرقدرت بود. درحالی‌که جنگ جهانی موجب تضعیف سایر کشورهای غربی شده بود، ایالات متحده قدرتمندانه از جنگ قدم بیرون گذاشت و با اجرای طرح مارشال برای بازسازی اروپای جنگ‌زده، به یک رهبر جهانی تبدیل شد. ایالات متحده در دهه ۱۹۵۰، عملاً مسئولیت اداره امور همه جهان را به‌عهده گرفت. واقعه دوم، گسترش جنبش جهانی کمونیزم بود. اتحاد شوروی نفوذ خود را نه‌تنها در اروپای شرقی، بلکه حتی در چین و کره در قاره آسیا نیز گسترش داده بود. رویداد سوم، تجزیه امپراتوری‌های استعماری اروپا در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بود، که موجب ظهور شمار بسیاری از کشور - ملت‌های جدید در جهان سوم شد. این کشورهای نوظهور، هر یک به‌دنبال الگویی برای رشد و توسعه اقتصادی و همچنین اعتلای سیاسی و استقلال خود بودند (سو، ۱۳۹۳، ص. ۲۵). براین‌اساس مکتب نوسازی با داعیه نجات‌بخشی کشورهای استعمارزده تازه استقلال‌یافته و با رهبری آمریکا به‌عنوان قدرت برتر نظام بین‌الملل در آن دوران باید مطالعه شود.

نوسازی در قرن نوزدهم و بیستم دارای تطویری معنایی می‌باشد که به‌تدریج معنای آن کاربردی‌تر می‌شود. در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، نوسازی معمولاً به‌معنای رواج عقلانیت به‌کاربرده می‌شد و اشاره به فرایندی بود که آدمیان را یاری می‌بخشید که از قیدوبند رژیم‌های جابرانه و نیز از خرافه‌پرستی آزاد گردند. در نیمه اول قرن بیستم اصطلاح نوسازی به فرایند تغییرها در کشورهای عقب‌مانده گفته می‌شد که آنها را از ساختارهای سنتی به وضعیت نو انتقال می‌دهد. نوسازی پنج الگوی کاربردی دارد: ۱- نوسازی اقتصادی یا رشد، ۲- نوسازی اجتماعی، ۳- نوسازی

سیاسی، ۴- نوسازی روانی، ۵- نوسازی فرهنگی (لهسایی‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۹۵). از حیث نظری، این مکتب برای توضیح نوسازی در کشورهای جهان سوم از دو نظریه «تکامل‌گرایی» و «کارکردگرایی» بهره گرفت (سو، ۱۳۹۳، ص. ۲۶). مبتنی بر نظریه تکامل‌گرایی، در واقع با تمایز هویتی جوامع توسعه‌یافته و جهان‌سومی مواجه می‌شویم. کشورهای جهان‌سومی به‌منزله کشورهای عقب‌افتاده و بدوی فرض می‌شوند که راهی جز گذار از سنت‌های فرهنگی و هویتی خود به‌سوی مرحله توسعه‌یافته غربی ندارند. مبتنی بر نظریه کارکردگرایی، با اصلیت‌بخشی به استعاره ارگانسیم در نظام زیستی موجودهای زنده و بسط آن به نظام‌های اجتماعی، متغیرهای الگویی چندگانه‌ای برای تمایزبخشی بین جوامع سنتی و نوگرا تعریف می‌شود.

یکی از معروف‌ترین نظریه‌پردازان توسعه در این مکتب روستو است. روستو پنج مرحله را برای رشد اقتصادی جوامع در نظر می‌گیرد که این بیان او محصول پژوهش‌هایش در زمینه توسعه اقتصادی غرب می‌باشد. او بیان می‌کند که در جامعه سنتی، یعنی مرحله اول، توان تولید به‌علت عدم دسترسی به علم و فناوری محدود است. ارزش‌ها عموماً تقدیرگرا و قدرت سیاسی غیرمتمرکز است. در مرحله دوم، که مرحله ماقبل خیز است، ایده‌های جدیدی در زمینه پیشرفت اقتصادی مطرح می‌شود که همراه آن آموزش، کارفرمای اقتصادی و نهادهایی که باعث تحرک سرمایه هستند پا به‌عرصه وجود می‌گذارند و مرحله سوم از نظر روستو مرحله خیز است که در آن موانع سنتی در راه رشد اقتصادی، شاید تنها از طریق جذب فناوری جدید یا ظهور گروه‌های سیاسی جدید که آمادگی تطابق با نوسازی در اقتصاد بودند، برداشته شده است. در مرحله چهارم یا حرکت به‌سوی بلوغ بین ده تا بیست درصد از درآمد ملی مورد سرمایه‌گذاری قرار می‌گیرد و اقتصاد جایگاه خود را در نظم بین‌المللی پیدا می‌کند.

از دیگر نظریه‌پردازان مکتب نوسازی اسملسر است. اسملسر یک جامعه‌شناس بود و عمیقاً به تأثیر توسعه اقتصادی بر ساختارهای اجتماعی گرایش داشت. او در نظریه خود، چهار فرایند اصلی را تشریح کرد: اول حرکت از فناوری ساده به پیچیده، دوم تغییر کشاورزی برای مصارف شخصی به کشاورزی تولیدی سودزا، سوم تغییر نیروی انسان و حیوان به صنعتی‌شدن و بالاخره جمعیتی روزافزون که با بنیاد شهرنشینی در جریان بود. او همچنین اظهار می‌داشت که تفاوت‌های ملی همواره مهم هستند، حتی در

پیشرفته‌ترین مراحل نوسازی. اسلمسر علی‌رغم تشکیل سازوکارهای منسجم جدید، مشکلات اجتماعی را اجتناب‌ناپذیر می‌داند. این مشکلات به دلایل متعددی بروز می‌کنند که مهم‌ترین آنها برخورد سنت و نوسازی، عدم توازن در تغییرهای ساختاری و وسعت صنعتی شدن است. جوامع در حال نوسازی در عمل به صورت کارزاری مجسم می‌شود که در آن سنت، بر علیه نیروهای متمایز ساختاری به مبارزه پرداخته و سازوکارهای منسجم در صدد حفظ تعادل هستند (هریسون، ۱۳۷۶، صص. ۳۴-۳۵).

کلمن^۱ از دیگر نظریه‌پردازان توسعه است. رویکرد سیاسی کلمن تا حدی به تحلیل جامعه‌شناختی اسلمسر شباهت دارد، به نظر کلمن نیز قواعد نوسازی سیاسی را باید در فرایندهای زیر جستجو کرد:

الف. انفکاک ساختار سیاسی؛

ب. لائیک شدن فرهنگ سیاسی همراه با ویژگی برابری که؛

ج. موجب افزایش قابلیت نظام سیاسی جامعه نیز می‌شود.

کلمن در درجه نخست تأکید می‌ورزد که مطالعه تاریخ تحول نظام‌های سیاسی جدید، به لحاظ تجربی نشان می‌دهد که گرایشی غالب به سمت تفکیک و تمایز ساختارهای سیاسی وجود داشته است (ی. سو، ۱۳۹۶، ص. ۴۶).

به طور کلی می‌توان گفت نظریه‌های توسعه در مکتب نوسازی، مقتبس از نظریه‌های تکامل‌گرایی و کارکردگرایی، مؤلفه‌های اساسی زیر را دارا می‌باشد: «۱- نوسازی فرایندی مرحله‌به‌مرحله است، ۲- نوسازی فرایندی تجانس‌آفرین است، ۳- نوسازی یک فرایند اروپایی شدن است، ۴- نوسازی یک فرایند غیرقابل بازگشت است، ۵- نوسازی یک فرایند رو به پیشرفت است، ۶- نوسازی، فرایندی طولانی است. ۷- نوسازی فرایندی نظام‌یافته است، ۸- نوسازی فرایندی انتقال‌یافته است، ۹- نوسازی فرایندی درون‌زاست» (ی. سو، ۱۳۹۶، ص. ۵۱).

۲-۳. رویکرد وابستگی

در پاسخ به ناکامی‌ها و ضعف‌های رویکرد نوسازی، مبانی نظری رویکرد وابستگی شکل گرفت. لذا این رویکرد را می‌توان رویکردی سلبی - ایجابی در نظر گرفت که

1. James Kelman

جهت نقد الگوی رایج نوسازی و گریز از چالش‌های آن پایه‌عرضه گذاشت. برای مقابله با کمبودهای رویکرد نوسازی در توسعه کشورهای توسعه‌نیافته، در آمریکای لاتین راهکاری به نام اکلا^۲ به وجود آمد که عمدتاً از سوی اقتصاددانان توسعه (و در راس آنها رائل‌پره‌بیش^۳) مطرح شده بود.

براساس این رویکرد نجات از عقب‌ماندگی با گام‌های زیر تحقق می‌یافت: ۱- تغییر مسیر توسعه معطوف به‌خارج به‌توسعه داخلی که با نوعی اقتصاد محلی و دولتی تنظیم می‌شود و وابستگی به تجارت خارجی را محدود می‌کند. ۲- به‌کارگیری سیاست‌های صنعتی که الیگارش‌سنتی را تضعیف کند و مشارکت طبقه متوسط و پایین جامعه را در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه تقویت نماید. ۳- توده‌های روستایی باید در نظام تولیدی جامعه از طریق اصلاحات ارضی ادغام شوند. ۴- دولت‌های توسعه‌گرا و مستقل از لحاظ سیاسی تقویت شوند. ۵- نوعی آرمان توسعه‌گرایانه در قالب الگوی توسعه درون‌زا و با تأکید بر راهبرد جایگزینی واردات، تحقق یابد (لهسایبی‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۳).

مکتب وابستگی با محور قرار دادن توسعه کشورهای جهان سوم، از چندین فرض اساسی برخوردار است. نخست اینکه وابستگی را به‌عنوان فرایندی بسیار عام در نظر می‌گیرند، دوم اینکه وابستگی به‌عنوان یک وضعیت خارجی قلمداد می‌شود، سوم اینکه وابستگی غالباً به‌عنوان یک وضعیت اقتصادی سنجدیده می‌شود، فرض چهارم این است که وابستگی به‌عنوان بخشی از قطب‌بندی مناطق در اقتصاد جهانی قلمداد می‌شود. توسعه‌نیافتگی در پیرامون و توسعه در مرکز دو جنبه مختلف از یک جریان واحد انباشت سرمایه را تشکیل می‌دهند (ی. سو، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۳).

رویکرد وابستگی حتی با وضع نظریه‌های جدید نتوانست مسیر درخوری را برای رهایی از مشکلات الگوهای توسعه غربی فراهم آورد. این نظریه‌ها اگرچه از الگوی عام وابستگی که در مطالعه‌های اولیه وابستگی مورد تأکید بودند فاصله گرفتند و بر وضعیت خاص وابستگی در کشورهای مختلف تأکید کردند و به‌جای آنکه بر مؤلفه‌های بیرونی و پدیده‌های اقتصادی تأکید کنند، بر مؤلفه‌های درونی کشورها و

2. ECLA

3. Raul Prebisch

پدیده‌های اجتماعی مستقر شدند، اما در یک الگوی بازگشتی، به جای تأکید بر مسیر یک‌طرفه توسعه‌نیافتگی، قابلیت همزیستی و توسعه مقارن با وابستگی را مورد توجه قرار دادند (ی. سو، ۱۳۹۶، ص. ۱۳۷).

۳-۳. توسعه در مکتب نظام جهانی

بعد از اینکه رویکرد وابستگی هم نتوانست مسیر ممتازی برای برون‌رفت از آسیب‌های گسترده فرایند توسعه در کشورهای پیرامونی ارائه دهد، الگوی توسعه در نظام جهانی ظهور کرد. در نظریه سنتی وابستگی، کشورهای متروپل صنعتی منشأ و عامل اصلی فقر و عقب‌ماندگی جهان سوم محسوب می‌شدند و از نظر این دیدگاه صرف وجود رابطه میان مرکز و پیرامون، موجب عقب‌ماندگی پیرامون و خروج مازاد و استعدادهای اقتصادی از کشورهای پیرامون می‌شد. [لذا] نظریه نظام جهانی ملهم از رویکرد وابستگی مطرح شد. این نظریه ضمن محور قرار دادن اقتصاد جهان به‌عنوان واحد تحلیل، نظام تاریخی را بر اساس سه قطب مرکز، نیمه‌پیرامون و پیرامون مورد مطالعه قرار می‌دهد. براساس این نظریه تمام رویدادهای اجتماعی باید در درون متن یک نظام جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. در این چهارچوب، مختصات مکانی، تقسیم جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، نظام جهانی را به‌صورت مرکز، نیمه‌پیرامون و پیرامون توصیف می‌کند که هر کدام دارای نقش‌ها و کارکردهای متفاوت اقتصادی می‌باشند که در آن رابطه استثماری مناطق ثروتمند و فقیر جهان توضیح داده می‌شود (ساعی، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۳). در واقع به‌دلیل موقعیت دو قطبی مرکز پیرامون در مکتب وابستگی که در آن به‌دلیل استثمار مرکز پیرامون همیشه محکوم به توسعه‌نیافتگی یا توسعه وابسته می‌شد نظریه مکتب نظام جهانی برای پاسخ به این مشکل الگوی سه‌گانه مرکز - نیمه‌پیرامون - پیرامون را مطرح کرد. «درواقع اقتصاد جهانی سرمایه‌داری به‌جای پیروی از الگوی ساده مرکز - پیرامون، از سه‌لایه مرکز، پیرامون و نیمه‌پیرامون تشکیل یافته است» (ی سو، ۱۳۹۶، ص. ۲۳۹).

۳-۴. تغییرهای فراتر در الگوهای توسعه

همان‌طور که بیان شد بعد از آنکه آثار مخرب توسعه اقتصادی صرف آشکار شد، زمینه‌ای فراهم گشت تا ابعاد دیگر توسعه جای پای خود را در کنار توسعه اقتصادی باز

کند. لذا از اواسط قرن بیستم شکل‌گیری ابعاد جدیدی از توسعه در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، ملی، سیاسی و... مشاهده می‌شوند. از میان این ابعاد، توسعه فرهنگی به‌عنوان امری معنوی و غیرمادی جایگاهی ویژه‌تر نسبت به بقیه داشت. توسعه فرهنگی بیشتر به ذهنیات و گرایش‌های معنایی توجه دارد. «مفهوم توسعه فرهنگی طی دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰ در برنامه‌های یونسکو تحول و شکل پذیرفت. فرهنگ مانند اقتصاد و دانش فناوری، بعدی از توسعه است» (اردلان، ۱۳۸۱، ص. ۱۳۱). لذا توسعه فرهنگی با ایجاد پویایی و نوآوری‌های خود در جامعه می‌تواند ضعف‌های محصول رویکرد صرفاً اقتصادی را مرتفع نماید. «توسعه فرهنگی نماد تحول در زندگی فرهنگی و روابط آن با سایر اشکال توسعه (اقتصادی، سیاسی و علمی) است» (رئوفی، ۱۳۷۴ به نقل از: سریع‌القلم، ۱۳۷۴، ص. ۸۳). در واقع حضور توسعه فرهنگی را می‌توان اماره‌ای دانست بر نیاز مبرم توسعه غربی به عناصر معنامحور و روحانی؛ لکن به‌دلیل وابستگی‌های نظری این بُعد از توسعه بر زیربنای اقتصادی، گشایش‌چندانی در ناکامی‌های توسعه غربی حاصل نشد.

مبانی نظری نوظهوری نیز وجود دارند که اگرچه توسعه را در پارادایم سیر نظریه‌های توسعه غربی می‌نگرند؛ ولی جهت تکاملی آن را در عناصری خارجی نظیر مردم‌سالاری و یا بافت تاریخی ملت‌ها تعریف می‌کنند. اینگلهارت معتقد است صرف دوقطبی غربی و دیگری، هسته توسعه جوامع را نمی‌سازد. «هر گونه واگرایی فزاینده‌ای که اتفاق افتاده است نتیجه تغییر ارزشی در جوامع مرفه است نه محصول واکنش فرهنگ‌های سنتی در برابر غرب» (نوریس و اینگلهارت، ۱۳۹۵، ص. ۳۱۶). از نظر اینگلهارت این ساده‌اندیشی است که تصور کنیم فرهنگ غرب در مرکز است و کشورهای درحال توسعه در حال ارتزاق از آن هستند، چرا خود فرهنگ غربی بر روی گسل تغییرها قرار دارد و از طرفی دیگر سنت‌های پایدار جوامع درحال توسعه در برابر این تغییر ارزش‌های غربی با تکیه بر تاریخ و مبانی سنتی و دینی خود در حال خوداتکایی در بحث پیشرفت و توسعه می‌باشند. کریستین ولزل نظریه رهاينده در باب مردم‌سالاری را بیان و اذعان می‌دارد که مطلق توسعه با ارج نهادن به مردم‌سالاری و حضور مردم در امور اجتماعی محقق می‌شود. «مردم‌سالاری بر جهت‌گیری عمیق شهروندان مبتنی است. این جهت‌گیری آن را به ایجاد فشار برای آزادی، حقوق سیاسی

و مدنی کارآمد و حکومت واقعاً پاسخگو با کاربرد مراقبت مداوم برای اطمینان از اینکه نخبگان حکومتی همچنان به آنها پاسخگو بمانند، تهییج می‌کند» (اینگله‌هارت و ولزل، ۱۳۸۹، ص. ۳۹۳).

در کنار الگوهای رایج توسعه غربی، کشورهای نیز وجود دارند که سعی کرده‌اند فترت و خلأ مکاتب توسعه غربی را با ارائه خوانشی بومی و تکامل یافته از الگوی رایج توسعه پُر کنند. چین، هند، برزیل، روسیه و آفریقای جنوبی من جمله این کشورها هستند که اصطلاحاً بریکس نامیده می‌شوند. یکی از مشخصه‌های نظام بین‌الملل در هزاره سوم، پیدایی بازیگران جدید و طرح موضوع جابه‌جایی قدرت جهانی با قدرت نمایی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نوظهور بوده است. یکی از این تشکل‌های نوظهور که در حال حاضر بیشتر جنبه اقتصادی دارد، گروه «بریکس» است. این گروه شامل پنج کشور برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی می‌باشد (شیرزادی، ۱۳۹۶، ص. ۳۸). از میان این پنج کشور آفریقای جنوبی آخرین کشوری بوده که به تازگی به این جمع پیوسته و روسیه نیز دارای ساختار سنتی همان جماهیر شوروی سابق است، لکن الگوی سه کشور چین و هند و برزیل را می‌توان به‌عنوان گام‌هایی جدی و جدید در امر توسعه دانست که در ادامه مؤلفه‌های توسعه این جوامع به صورت مختصر بررسی می‌شود.

توسعه چینی گویا هم می‌خواهد از نظام مارکسیستی حاکمیتی خود فاصله بگیرد و هم می‌خواهد خود را به مبانی لیبرالیسم غربی نزدیک کند، اما فقط محاسنش را دریافت کند. تغییرها و اصلاح‌های به عمل آمده در چین نشان می‌دهد که عدم توانایی نظام مارکسیستی برای پاسخگویی به اقتضاها و مناسبت‌های جدید جهانی، نظام حکومت ایدئولوژیک چین را به کلی متحول ساخته است (محروق و حاجی کریم جباری، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۰). الگوی توسعه چینی شالوده‌های اقتصادی و حاکمیتی خود را از اندیشمندان چینی عصر باستان به خصوص کنفوسیوس اقتباس کرده است. برخی از مؤلفه‌های این توسعه عبارت‌اند از: عدم تحمیل مسیر توسعه خود به سایر کشورهای جهان؛ عدم مداخله در امور سایر حاکمیت‌ها؛ از بین برداشتن شکاف بین مناطق مرکزی و پیرامونی؛ بومی‌سازی الگوهای توسعه موجود در جهان؛ بهره‌گیری از تجارب اقتصادی و سیاسی سایرین؛ تأکید بر عنصر ابتکار و حس بشردوستی و عملگرا و متکمی بر امور محسوس

(ارغوانی و فروتن، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۷). در کنار توسعه چینی از مدل توسعه هند نیز می‌توان نام برد. برخلاف مدل توسعه چینی که به ظاهر و ارائه زیبای اقتدار و پیشرفت خود علاقه‌مند است، مدل توسعه هندی دارای روندی آرام، معنی‌گرا و همه‌بعدی است. مدل توسعه هندی برخلاف رویکرد چینی که بیشتر بر بُعد اقتصادی متکی است، از رویکردی همه‌جانبه و اقتضایی و متوازن تبعیت می‌کند. مؤلفه‌های مدل توسعه هندی را می‌توان این‌گونه برشمرد: توسعه همه‌جانبه با سرعت پایین (لاکپشت هندی)، رویکرد فرصت‌نگرانه به تضادهای فرهنگی جامعه هندی، شفافیت رویکردهای توسعه جامعه هندی، عدم تنش با همسایه‌ها و نیروهای خارجی، قانون‌محوری جامعه هندی (برخلاف حزب‌محوری جامعه چینی) (عرفانی، ۱۳۹۴، صص. ۴۴-۴۸). برخلاف الگوهای توسعه چینی، ژاپنی و کره‌ای که اقتصادشان صنعت‌محور است، از مؤلفه‌های محوری دیگر توسعه هندی وجود اقتصاد دانشی می‌باشد نه صنعت‌محور (ناظران و اسلامی‌فر، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۷).

برزیل نیز از دیگر کشورهای «خوانش جدید توسعه غربی» می‌باشد. برزیل از سال ۱۹۶۴ تا کنون تجربه‌های مختلفی را در حوزه اقتصاد و سیاست دنبال کرده است. در برهه‌ای کوتاه ولی کارآمد، شاهد دوره حکومت نظامیان بوده که از آن به معجزه برزیلی یاد می‌کنند و در دوره‌ای بلندمدت شاهد حکومت انتخابی بوده است. می‌توان توسعه برزیل امروز را خروجی مسیر پُرفرازونشیب نیم‌قرن اخیر حیات آن دانست که مؤلفه‌های توسعه‌اش را مستقلاً با ترکیبی از تجربه‌های گوناگون شکل داده است. برزیل دوران معاصر نقطه تلاقی نظام‌ها و ساختارهای متفاوت، شامل سرمایه‌داری (خصوصی‌سازی، جذب سرمایه خارجی و...)، سوسیالیسم (پاسخگویی به خواسته‌های طبقات پایین)، مردم‌سالاری و اقتدارگرایی بوده است (جمالی و ذوالفقاری، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۰).

۳-۵. جمع‌بندی اندیشه توسعه

همان‌طور که در ریشه تاریخی پیدایش توسعه آمد، مفهوم توسعه در دامان علم اقتصاد متولد گشته و مکتب‌های مختلف توسعه و درنهایت توسعه فرهنگی در پاسخ به ناکامی‌های دوره‌های مختلف توسعه اقتصادی ایجاد شده است. آنچه که جان‌مایه

نظریه‌های توسعه حتی در نظریه‌های وابستگی را تشکیل می‌دهد، در چند عنصر بنیادی قابل خلاصه کردن هست. اولین بعد مشترک در تمام مکتب‌های توسعه، اقتصادمحور بودن مفهوم توسعه می‌باشد. حتی اگر فرهنگ در نظام‌های توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد بازهم در خدمت نتایج اقتصادی توسعه می‌باشد. شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورها زمانی اهمیت می‌یابد که به شاخص‌های اقتصادی برتری دست‌یافته باشند. دومین بُعد مشترک در مکاتب مختلف توسعه، غرب‌گرا بودن مفهوم توسعه هست. حتی در نظام وابستگی سخن از این نیست که نباید از غرب الگوبرداری کرد، بلکه مشکل در نوع نظام ارتباطی غرب با کشورهای پیرامون هست و اینکه چرا نظام نوسازی، مسیر غربی شدن کشورهای پیرامون را به‌نحوی منصفانه و غیراستعماری هموار نمی‌کند. سومین بُعد مشترک مکتب‌های مختلف توسعه، نوع تعریف آنها از انسان توسعه‌یافته هست. انسان توسعه‌یافته غربی از سویی از آسمان و ابعاد وجودی خود بریده است و صرفاً زیست‌دنیاگرایانه، برای تعریف توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی او موضوعیت دارد. از سوی دیگر نظام فرهنگی، هویتی و تاریخی انسان توسعه‌یافته غربی، یا از او به‌طور کلی سلب می‌شود و در فضای بی‌هویتی نوین گم می‌شود و یا نظام فرهنگی و هویتی او به‌منزله ابزاری برای بهره‌مندی بیشتر او، در دل فرایندهای توسعه غربی هضم می‌شود. به‌جای آنکه توسعه به شکوفایی بیشتر فرهنگ و هویت تاریخی، اجتماعی و آسمانی جوامع انسانی بپردازد، تمام عناصر هویتی را برای فربهی و حاکمیت بیشتر خود به‌کار می‌گیرد.

آنچه که تا اینجا بیان شد ناظر به سیر تطورهای معنایی و کارکردی توسعه در اندیشه غربی و نظام‌های اجتماعی متأثر از آن بود. در ادامه به بررسی نگرش برخی از اندیشمندان اسلامی در خصوص توسعه با تأکید بر مبانی اندیشه پیشرفت در نگاه رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای و بررسی مرزهای آن با مفهوم توسعه غربی خواهیم پرداخت و درنهایت در مطالعه‌ای تطبیقی با اندیشه غربی، آن را بررسی می‌کنیم.

۴. توسعه در نگاه اندیشمندان اسلامی

غایت مکتب‌های مختلف تغییر در جهت حیات انسان و بهبود آن می‌باشد، لذا توجه به این نکته که تعریف مکتب‌های مختلف از انسان چه می‌باشد، امری بنیادی برای درک

ایده تغییر و بهبود در آن مکتب‌ها هست. انسانی که در نگاه توحیدی از آن بحث می‌شود انسانی است که متشکل از دو بعد روحانی و جسمانی می‌باشد که اصالت نیز با روح است. فرهنگ و هر آنچه که قرار است به پیشرفت و توسعه این انسان بیانجامد، باید سازگار با رشد روحی و معنوی او باشد. این آن مسئله‌ای است که تفاوت بنیادین میان دولت‌های غربی - که غایتشان تصاحب قدرت و حکمرانی بر مردم است - با حاکمیت اسلامی - که غایت آن رشد و هدایت مردم است - را بیان می‌کند. «در مکتب قدرت غایت دولت امور دنیوی است، اما در مکتب هدایت، غایت دولت امور اخروی است. در اولی دنیا مقصد است و در دومی آخرت مقصد و دنیا منزلگاه. اساسی‌ترین انتظار متدینان از حکومت فراهم کردن فضا، امکانات و زمینه‌های عبودیت خداوند متعال است، درحالی‌که این انتظار دغدغه حکومت‌های غیردینی نیست» (لکزایی و اسم حسینی، ۱۳۹۱، ص. ۳۷).

بنابراین در اندیشه اسلامی اصالت با روح است و جسم و عقل و مادیات ابزاری است که در راستای تکامل روح و معنویات به کار گرفته می‌شوند که ریشه ماندگاری و تکامل روح، استمداد و ارتباط با وحی و خدای متعال می‌باشد، اما در اندیشه تمدنی نوین غرب، اصالت به عقل و زیست دنیایی بشر داده می‌شود و ابعاد فراتر انسانی، وحی و زیست آخرتی، مفاهیم حاشیه‌ای و ناکارآمد عصر دین شناخته می‌شوند. «بر خلاف نظریه‌های غربی، وحی نه تنها عامل محدودکننده عقل نمی‌باشد، بلکه با کمک عقل، وجود وحی اثبات می‌شود. حال چگونه عقلی که در تعارض با وحی است، می‌تواند آن را اثبات کند؟ در قرآن افزون بر سیصد آیه به صراحت آدمی را به تفکر و تعقل امر و دعوت می‌کند، از نظر اسلام شناخت کلیات اصول دین از وظایف خرد انسان است. وحی نیز به حکم عقل حجت است، هر ادعای دینی باید به دلیل یا دلایل عقلی مقتضی، پشتیبانی شود، قرآن تصریح می‌کند: دین برهان است و قرآن نوری آشکار. در اسلام هیچ چیز به اندازه بی‌خردی و تقلیدکور نکوهیده و مذموم نیست» (رشاد، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۱)، لذا در هر پیشرفت و توسعه‌ای که عقل و وحی نقش محوری و حضوری همه‌جانبه نداشته باشند، آن پیشرفت چه بسا سبب افزون‌شدن توحش و خوی غیرانسانی شود؛ بنابراین عقل و وحی که در تلائم کامل با یکدیگر می‌باشند، عنصر محوری و دال مرکزی در توسعه توحیدی می‌باشد.

با بررسی مکاتب توسعه که خاستگاه غربی دارند این مسئله روشن می‌شود که انسان ظاهراً توسعه‌یافته با توسل به الگوها و نظریه‌های جدید، گویا به‌طور پیوسته دنبال مدینه فاضله‌ای است که آن را گم کرده است. رویکرد انتقادی وابستگی، تمسک به بُعد فرهنگی توسعه، الگوها نوظهور توسعه، تمسک به مؤلفه‌های نظری و الگوهای عملی همچون مردم‌سالاری در توسعه، بافت سنتی در قلب توسعه، خوانش‌های برعکس از توسعه و... همگی از جان ناآرام بشر حکایت می‌کنند که درصدد یافتن راه برون‌رفتی از وضعیت موجود می‌باشد. کچوئیان (۱۳۸۷) نیز بیان می‌کنند که پس از مرور همه نظریه‌های مشاهده می‌کنیم که نظری برای ادامه جهان وجود ندارد، رفاه و آسایش به اوج خود رسیده، اما بازهم انسان آرامش نیافته و به دنبال چیزی دیگری است. در این میان تنها دین است که با بشارت منجی، جهان را از این بن‌بست خارج می‌کند و انسان بی‌انگیزه را دوباره به تلاش وامی‌دارد. از این جهت به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی ایران با رهیافتی متفاوت از آنچه در سیر تطور نظام‌های توسعه شاهد بودیم، سعی دارد با گذار از انسان تک‌بعدی جهان غربی و بازگشت به تعریف انسان ابعادی، مسیر نوینی از حرکت جوامع انسانی را برای رهاشدن از این گم‌گشتگی جهانی شده بنا نهد.

پرداختن به مفهوم پیشرفت در اندیشه اسلامی با اندیشه غربی وجوه اشتراک و افتراقی دارد. بخشی از این وجوه اشتراک و افتراق به نسبت دین و توسعه در اندیشه غربی بازمی‌گردد. تبارشناسی ساخت معنای توسعه در غرب، به گونه‌ای با سیر تطور دین در آن جامعه مرتبط هست. درحالی‌که کلیسای کاتولیک، تفسیری تمامیت‌خواهانه از جایگاه دین در تمام حیطه‌های اجتماعی با واسطه‌گری و عاملیت اربابان کلیسا و با رهیافتی آخرت‌گرایانه ارائه می‌کرد، جنبش دین‌پیرایی، نسبت به حذف واسطه اربابان کلیسا و نیز ارائه تفسیر دنیاگرایانه از مفاهیم دینی، سعی کرد اصلی‌ترین بنیان‌های تغییر اجتماعی را در برخی جوامع غربی راهبری کند. با دنیوی‌شدن تفسیر الهیات مسیحی و بروز برخی از نتایج فکری، علمی و فناورانه آن، به سرعتشان و جایگاه دین از یک منبع اصلی برای راهبری اجتماعی، به یک موضوع برای مطالعه علمی و تاریخی تبدیل شد و فضای پیشرفت متراکم جوامع غربی به این منحنی گذار از عصر دین به عصر علم گره خورد. درواقع «مسئله دین و توسعه و تلازم یا تعارض میان آن دو در حیطه قلمرو اسلام، به جهت بداهت پیوند دین و توسعه کمتر مورد توجه عالمان دینی قرار گرفته

است، ولی شدت بحث در میان متفکران مسیحی در غرب که در حقیقت، مقوله توسعه در امور دنیوی را با دین محرف مسیحی مورد بحث و بررسی قرار دادند، موجب تسری آن در دین اسلام شد» (خلیلی، ۱۳۸۲، ص. ۲۸۲). از جهت نو بودن این نزاع است که جماعت متأخر از اندیشمندان مسلمان بیشتر به این مقوله پرداخته‌اند. اگرچه از حیث نظری، اندیشمندان اسلامی بر تحول و تعالی توأمان ابعاد مادی و معنوی حیات اجتماعی انسان تأکید می‌کنند، اما رهیافت‌های ورود به حیطة عملی پیشرفت و توسعه اسلامی توسط گروه‌ها و جوامع اسلامی دارای تفاوت‌های زیادی می‌باشد که در این مقاله فرصت بررسی آن‌ها نمی‌باشد. در واقع مواجهه عملی جهان اسلام با مکتب‌ها و جریان‌های توسعه، نوعی گم‌گشتگی و دستپاچگی در امر معرفتی و امر سیاسی را نشان می‌دهد. مطالعه الگوی نوسازی در کشورهای مختلف اسلامی نظیر ایران، ترکیه، عربستان، مالزی، امارات، اخوان‌المسلمین مصر، طالبان افغانستان، داعش و... وجود خونا‌ش‌های متفاوت از امر پیشرفت و توسعه و گم‌گشتگی جامعه اسلامی را بیشتر نمایان می‌کند:

- از سویی در مواجهه با فضای استعماری نظریه‌ها و الگوهای توسعه، اندیشمندان و کارگزاران جوامع اسلامی سویه‌های انتقادی خود را تبیین و تا حدی با نظریه‌های وابستگی و فراتر از آن همراه شده‌اند.
- در برخی از گروه‌ها و جوامع اسلامی، برای رهایی از استبداد داخلی و استعمار خارجی، بازگشت به الگوی تفسیر سلف از کتاب و سنت و بازسازی خیرالقرون در فضای اجتماعی بدون توجه به الگوهای توسعه غربی برای جامعه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.
- از سوی دیگر برخی جوامع در عرصه عمل اجتماعی، مقوله مدرنیته و دین را دو مقوله مجزا از هم تعریف کرده‌اند و درحالی‌که به تمام قواعد مدرن در عرصه نظام‌های اجتماعی پایبند بوده‌اند، سعی کرده‌اند در رهیافتی سکولار و جدایی دین از سیاست، حیات دینی جامعه را مبتنی بر پاسداشت برخی سنت‌ها و احکام دینی غیرمتعارض با مدرنیته حفظ کنند.
- در برخی جوامع مثل ایران پس از انقلاب اسلامی، برخی از کارگزاران سیاسی، سعی کرده‌اند مبتنی بر نگرش تنزیهی به امر مدرن، با طرح انگاره مدرنیته اسلامی سعی در

غربالگری امر مقبول و مطرود توسعه داشته باشند. به گونه‌ای که با ترسیم یک مدرنیته موازی با مدرنیته غربی، ابعاد غیرمتضاد با مبانی دینی امر مدرن را به کار می‌گیرد و به تنزیه ابعاد متضاد مدرنیته غربی با مبانی اسلامی همچون استعمار و استثمار می‌پردازد، اما به مرور زمان این رهیافت دچار تعارض‌های شدید اجتماعی بین امر مدرن و امر دینی شده است و از طرفی سوویه تساهل‌گرایی در تفسیر احکام دینی برای ادراک و انطباق بیشتر با فضا - جریان جهانی مدرنیته مورد توجه واقع شده است. محمد عبده، عابد العجایی، اکبر هاشمی رفسنجانی، سیدمحمد خاتمی، مصطفی ملکیان، محمود سریع‌القلم و بسیاری دیگر از اندیشمندان اسلامی در نقاط مختلف پیوستار تلفیق امر مدرن و امر اسلامی قرار می‌گیرند. از سوویی دیگر، انگاره تمدن‌سازی نوین اسلامی، با طرح ایده گذار از توسعه و تعریف نظریه تمدنی پیشرفت اسلامی اصلیت پیدا کرده است. در این رهیافت، انقلاب اسلامی به عنوان یک نقطه عزمی تلقی می‌گردد که بر مبنای ولایت الهی و محوریت رهبران دینی، بر تعالی و رفعت منزلت آحاد مردم و جوامع انسانی بنا شده است و درصدد تعریف ابعاد جامعه‌شناختی و هستی‌شناختی و روش‌شناختی متمایز خود بر مبنای داده‌های شریعت در یک فضای عینی ادراک نظامات جهانی و دوری از نگرش‌های انتزاعی می‌باشد. امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید صدر، طهطاوی و... را می‌توان از متفکران این رهیافت دانست. البته این دو رهیافت کاملاً از هم قابل تفکیک نیست و در اندیشمندان هر گروه، می‌توانیم محتواهای همسو با رهیافت موازی آن را نیز پیدا کنیم. رهیافت‌های دیگری هم در فضای فکری و عملی گروه‌ها و جوامع اسلامی قابل مطالعه هست که در این مقاله فرصت بررسی آن نیست و فقط به صورت اجمالی، به برخی آرای تعدادی از متفکران اسلامی در رهیافت‌های مختلف تعاملی بین امر مدرن و امر دینی، اشاره می‌کنیم.

رفاعه طهطاوی، متفکر مصری بر این باور بود که اسلام به لحاظ قانون بسیار غنی است و در حوزه‌هایی که اسلام قوانین مورد نیاز را وضع کرده، به قوانین جدید نیازی نیست؛ چرا که احکام فقهی با زمانه سازگاری دارد و اجرای آن برای والیان به سادگی ممکن است. از این جهت بود که او در حوزه‌هایی که فقه سیاسی اسلام وارد مرحله تشریح نشده بود، ورود کرد و «برای نخستین بار در تاریخ معاصر فقه اهل سنت از بازبودن باب

اجتهاد سخن گفت» (اسماعیلی، ۱۳۹۴ به نقل از: الکومی، ۱۳۹۳، ص. ۱۴).

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) از دیگر مصلحان و عالمان اجتماعی است. ایشان با تأکید بر سنخیت و هماهنگی کامل نظام اسلامی با پیشرفت‌های مفید جوامع بر حضور دین در تمام سطوح پیشرفت و نوآوری‌های بشری، تصریح می‌کند که «در دنیای امروز، که گفته می‌شود دنیای صنعت است، رهبران فکری می‌خواهند جامعه بشری را نظیر یک کارخانه بزرگ صنعتی اداره کنند؛ درحالی‌که جامعه‌ها از انسان‌ها تشکیل شده است که دارای بُعد معنوی و روح عرفانی است و اسلام در کنار مقررات اجتماعی، اقتصادی و غیره به تربیت انسان بر اساس ایمان به خدا تکیه می‌کند و در هدایت جامعه از این بُعد بیشتر برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عمل می‌کند... اسلامی که بیشترین تأکید خود را بر اندیشه و فکر قرار داده است و انسان را به آزادی از همه خرافه‌ها و اسارت قدرت‌های ارتجاعی و ضدانسانی دعوت می‌کند، چگونه ممکن است با تمدن و پیشرفت و نوآوری‌های مفید بشر که حاصل تجربه‌های اوست سازگار نباشد؟» (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص. ۴۰۹). لذا امام بر دو عنصر اساسی برای پیشرفت تأکید می‌کند: توجه به بُعد معنوی در کنار بعدمادی انسان، و حضور شریعت در تمام سطوح پیشرفت و همه شئون زندگی. همچنین شهید صدر در بیان نسبت مذهب و پیشرفت و به‌طورخاص زیربنای اقتصادی پیشرفت نیز همان نگاه بسیط به دین را حفظ کرده است. ایشان با بیان دوگانه مذهب اقتصادی و علم اقتصاد از طرفی نگاه شریعت‌محور خود به پیشرفت را بیان کرده و از طرفی به نقد مبانی پیشرفت اندیشه غربی پرداخته است. «مذهب اقتصادی با معیار و مقیاس اخلاقی و ارزشی عدالت به ارزیابی وضعیت موجود در ارتباط با وضعیت مطلوب می‌پردازد. مذهب اقتصادی مسئول ایجاد روشی عادلانه در قلمرو فعالیت اقتصادی است. مذهب اقتصادی هرگز با معیار تجربه علمی دنبال ایفای نقش و رسالت خود نیست، بلکه حوادث اقتصادی را با نظر داشت ویژه‌ای که درباره عدالت دارد رسیدگی می‌نماید» (حائری و یوسفی، ۱۳۸۰، ص. ۵). اخلاق‌محوری، عدالت‌گرایی و نفی نگاه تجربه‌گرایی صرف از مهم‌ترین اصولی هستند که شهید صدر آنها را برای پیشرفت در مکتب دینی لازم می‌داند.

علامه طباطبایی نیز بیان می‌دارند آن مبنایی که پیشرفت در بستر آن قابل حصول است لذا باید و بهره‌مندی‌های مفیدی است که با فطرت مطابقت دارد و لذتی که منبعث

از هوای نفس است جامعه را به سمت استثمار و استعمار می‌کشاند؛ لذا نمی‌تواند سعادت و پیشرفت متعالی بشر را تأمین کند. به‌طور کلی ایشان لذت را سه قسم می‌داند: «یک قسم لذایذی است که لذیذ بودن طبیعی شی لذیذ است، قسم دیگر لذایذی است فکری که هم زندگی دنیوی انسان را اصلاح می‌کند و هم نسبت به آخرت او ضرری ندارد، این لذات امری است فطری، سوم لذاتی است فکری که موافق با هوا و مایه بدبختی در دنیا و آخرت است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص. ۴۳۵). علامه لذت نوع اول و دوم را مبنای پیشرفت و تکامل می‌دانند. «در نظر ایشان نفع شخصی و لذت فطری منطق فعالیت اقتصادی را شکل می‌دهد» (رجایی، ۱۳۹۵، ص. ۱). شهید مطهری (۱۳۸۱) که از علامه طباطبایی نیز بسیار تأثیر پذیرفته است، مبنای پیشرفت را بر مبنای نیاز فطری و میل انسانی که مبتنی بر مصالح است بیان می‌کند. «در نگرش شهید مطهری عامل اصلی و اساسی توسعه نیاز بشر است که این اختصاص به دورانی خاص نداشته و ندارد» (اصغری، ۱۳۸۵، ص. ۸). متمم و مکمل بودن علم و ایمان، تجربه مسلم تاریخی در پیشرفت علم و دانش و فرهنگ و تمدن در بستر اسلام، توسعه و پیشرفت علوم در جوامعی که بر سنت‌های بومی خود پایبند مانده‌اند و آسیب‌های جبران‌ناپذیر روند توسعه در گذشته و تأکید بر نقش ارزش‌ها در مفهوم توسعه از دال‌های اصلی پیشرفت در اندیشه شهید مطهری می‌باشد (اصغری، ۱۳۸۵، ص. ۸). دکتر شریعتی و سیدحسین نصر نیز به بعد دینی پیشرفت تأکید داشته‌اند. از دیدگاه شریعتی، جوامع بشری در طول تاریخ بین دنیاگرایی و آخرت‌گرایی در نوسان بوده‌اند و از این‌رو هیچ‌یک از این جوامع مصداق پیشرفت واقعی نیستند. سیدحسین نصر نیز اعتقاد دارد که «معرفت در دنیای مدرن به امور سطحی محدود شده است» (نوذری، ۱۳۹۶، ص. ۱۱). او بیان می‌دارد که سنت با تجدد به‌معنای ساختار فلسفی آن اصلاً سرسازگاری ندارد، چراکه تجدد انکارکننده همان اصولی است که سنت بر آن تکیه می‌کند. آن اصول عبارت‌اند از: «حقیقت الهی، اصالت حقیقت الهی و حیات انسان و عبودیت و تسلیم انسان در برابر حقیقت الهی» (نصر، ۱۳۸۶، ص. ۲).

مصطفی ملکیان از دیگر متفکران معاصر است که توسعه حاصل از علم را مضمن سعادت دنیا می‌داند و برای سعادت عقبی دین را توصیه می‌کند. ملکیان (۱۳۸۵) به‌تمایز میان دین و مدرنیته قائل است نه تضاد آن دو. به اعتقاد ملکیان «اگر مراد ما از

توسعه، سعادت دنیوی مادی باشد، بی‌تردید برای حصول آن باید از عقل و تجربه بشری استمداد کرد و اصلاً برای این مقصود، به دین رجوع نمی‌شود و اگر مراد سعادت اخروی باشد، درست است که به دین مراجعه کنیم» (نوذری، ۱۳۹۶، ص. ۷). عابد الجابری از دیگر متفکران معاصر مسلمان مراکشی است که با طرح نظریه عقل عربی سعی در بررسی مؤلفه‌های توسعه جوامع اسلامی دارد. او «سنت اسلامی را به‌گونه‌ای معرفی می‌کند که مشکل چندانی با مفاهیم و دستاوردهای مدرنیته غربی ندارد» (روشن و آذرکمند، ۱۳۹۵، ص. ۱۷). او با تبعیت از ابن رشد، خرد فلسفی را از خرد الهیاتی تفکیک می‌کند و بیان می‌دارد که فلسفه را نباید با مباحث مابعدالطبیعه ترکیب کرد. عابد الجابری (۱۳۹۳) راه توسعه و پیشرفت جوامع اسلامی را خوانشی نوین از فلسفه مغرب و اندیشه ابن رشد و تفکیک شریعت و عقلانیت در حوزه سیاست عملی می‌داند.

درحالی‌که اندیشمندان و کارگزاران مختلف اسلامی تا حدی در تبیین ایده و الگوی پیشرفت مبتنی بر مفاهیم دینی و نیز تطبیق آن با ایده و نظریه پیشرفت و توسعه در اندیشه غربی مطالعه کرده‌اند، اما آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه یک اندیشمند برجسته دینی که تجربه سطوح مختلف حکمرانی تا رهبری انقلاب اسلامی را نیز در یک دوره طولانی دارند، تبیین‌های بسیار گسترده‌ای در خصوص توسعه و پیشرفت ارائه کرده‌اند به‌نحوی که اگر شأن وجودی نظریه ایشان نسبت به نظریه‌های توسعه غربی متفاوت نبود، می‌توانستیم از نظریه ایشان در جایگاه مکتب چهارم توسعه و نظریه ابعادی توسعه - پیشرفت نام ببریم. در این مقاله با تحلیل مضمون منویات رهبر جمهوری اسلامی ایران آیت‌الله خامنه‌ای، سعی خواهیم کرد گزاره‌های اصلی نظریه ایشان در خصوص پیشرفت و نیز مرزهای آن با نظریه‌های توسعه غربی را استخراج کنیم.

۵. توسعه و پیشرفت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

پیشرفت در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، با توسعه غربی هم از جهت نظری و هم از حیث الگوی سیاستی متفاوت است؛ از سویی با یک رویکرد انتقادی و سلبی نسبت به مبانی، فرایندها و نتایج توسعه غربی مواجهیم و از سویی به تعریف نظریه بدیل توسعه مبتنی بر مبانی اسلامی و تبیین حدود و ثغور گزاره‌های سیاستی و کارکردی آن در یک

رهیافت ایجابی مواجهیم. در عین حالی که مرزهای مشترک توسعه غربی و پیشرفت اسلامی از نظر ایشان دور نمی‌ماند. در تبیین‌های اولیه رهبر انقلاب اسلامی، با تبیین‌های انتقادی نسبت به توسعه غربی و بعضاً با مفهوم توسعه مطلوب مواجه هستیم و به‌گونه‌ای رهیافت تنزیهی - اصلاحی نسبت به امر توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد، اما به مرور برساخت معنایی و الزام‌های کارکردی توسعه به‌عنوان یک نظریه و الگوی ذاتاً غربی که در بهترین حالت به مدرنیته‌های موازی می‌انجامد، عدول از کلمه توسعه و استقرار بر ایده و نظریه پیشرفت را موجب می‌شود. «کلمه «پیشرفت» را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه «توسعه» را به‌کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزام‌هایی با خودش همراه دارد که گاهی ما با آن التزام‌ها همراه نیستیم، موافق نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جاف‌تاده متعارف جهانی را که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است، مطرح و عرضه می‌کنیم؛ این مفهوم عبارت است از پیشرفت» (خامنه‌ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۸۹/۰۹/۱۰). در پژوهش پیش‌رو با تأکید بر کلیدواژه‌های توسعه و پیشرفت در کلام رهبر انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۹، سعی داریم چهارچوبه اصلی نظریه پیشرفت مدنظر ایشان و مرزهای آن با نظریه‌های توسعه را بررسی و تحلیل کنیم. ابتدا بیانات ایشان مورد تجزیه قرار گرفته و به‌صورت مضامین پایه‌ای استخراج و در گام بعدی این مضامین پایه‌ای با مضامین سازمان‌دهنده کدگذاری شده‌اند. در گام بعد مضامین سازمان‌دهنده در دو حوزه «مبانی نظری توسعه» و «راهبردهای عملی توسعه» به‌صورت انتزاعی‌تری ذیل مضامین فراگیر تعریف شده است. بدیهی است که بسنده کردن به همین واژگان برای خوانش دقیق نظریه ایشان کافی نیست و باید مطالعات بسیار گسترده‌تری در سطوح مختلف منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای برای ادراک دقیق نظریه و الگوی پیشرفت از منظر ایشان دنبال شود.

جدول (۱): تحلیل مضمون نظریه پیشرفت آیت‌الله خامنه‌ای - منابع داده‌ها و مضامین سازمان‌دهنده

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
۱	۱۳۶۵/۰۶/۱۴	خداوند متعال نعمت را بر ما تمام کرده است؛ این ذخایر [فرهنگی] باید کشف شود و در خدمت عدالت، صلح، توسعه، ترقی و تعالی ارزش‌های انسانی قرار گیرد، این توفیق [ترقی و تعالی و توسعه] میسر نیست مگر اینکه توان خود را باور داشته باشیم، به خداوند تکیه کنیم،	خودباوری و اتکا به
۲	۱۳۶۸/۰۴/۲۱ ۱۳۸۲/۰۵/۱۵	«وسیله و ابزار برای انجام همه این خواسته‌ها [آبادانی و توسعه و پیشرفت کشور] شما مردم هستید، و حضور و ایمان شما این راه را هموار خواهد کرد.» «در عرصه اجتماعی، توسعه باید با مردم گره بخورد؛ مردم باید محور توسعه باشند.»	حضور مستمر و مؤثر مردم در تمامی مراحل پیشرفت و توسعه
۳	۱۳۶۸/۰۶/۲۲	آمریکایی‌ها توسعه طلبند و می‌خواهند در همه جای دنیا دستی داشته باشند و حضوری پیدا کنند و استثمار نمایند. منافع آنها نباید به‌خطر بیفتد؛ ولو با از بین رفتن منافع ملت‌های دیگر! وقتی این‌گونه است، معلوم می‌شود حرکت اسلامی برایشان مضر است و درصدد برمی‌آیند انتقام بگیرند.	تحفظ منابع سایر ملل در مسیر توسعه
۴	۱۳۶۹/۰۷/۰۴	توسعه و زندگی خوب برای مردم، در گرو همان ایستادگی و همان فداکاری است.	مقاومت و فداکاری در مسیر پیشرفت و توسعه
۵	۱۳۷۱/۰۹/۱۹	یعنی نتیجه قهری سیر [و پیشرفت] در مسیر انقلاب، این‌گونه [رشد کمی و کیفی علم و عالمان] باید باشد.	حضور محوری علم و عالمان در مسیر پیشرفت و توسعه
۶	۱۳۷۱/۱۰/۰۷	رشد و توسعه در یک کشور، با داشتن بازوهای اجرایی باسواد، به مراتب سریعتر و آسانتر از رشد و توسعه به وسیله گروهی است که بخش عظیمی از آنها بی‌سواد باشند.	باسوادی آحاد مردم برای حرکت در مسیر پیشرفت
۷	۱۳۷۲/۰۶/۲۸	به این نظام‌های بزرگ دنیا نگاه کنید در درون آن کشورها و آن نظام‌ها، عواملی است که تیشه به ریشه آن نظام‌ها می‌زند تا آنها را از بین ببرد. نظام اسلامی، درست به عکس است. اگر نظام اسلامی، آن‌چنان‌که قرآن فرموده است باشد، عوامل بقا و حفظ و توسعه، در خود آن وجود دارد.	رابطه ارگانیک و بقابخش عناصر توسعه در نظام اسلامی
۸	۱۳۷۳/۰۱/۰۱	«ملت‌ها باید استقلال داشته باشند. ملت‌ها باید بر ثروت‌های	استقلال ملت‌ها؛ شرط

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
		طبیعی خودشان حاکم باشند. اختیار ثروت‌های طبیعی ملت‌ها باید دست خودشان باشد.	لازم پیشرفت و توسعه آنها
۹	۱۳۷۴/۰۳/۰۸	از همه بخش‌ها مهم‌تر و خطرناک‌تر [در مسیر سازندگی و توسعه و پیشرفت]، همین بخش فرهنگی و اخلاقی است.	فرهنگ و اخلاق، مهم‌ترین عنصر در مسیر توسعه و پیشرفت
۱۰	۱۳۷۴/۰۶/۰۸	آنچه که در [رشد و توسعه] این بین بایستی با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسئله «عدالت اجتماعی» است که با رشد و توسعه هم سازگار است.	عدالت، عنصر ماهوی توسعه و پیشرفت
۱۱	۱۳۷۵/۰۳/۱۴	ملت ایران، اگر می‌خواهد راه عزت و پیشرفت را ادامه دهد اگر می‌خواهد راه توسعه، سازندگی و رفاه زندگی را ادامه دهد و به نتیجه برساند، باید به استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان و استکبار بپردازد... ملت و به‌خصوص مسئولین جمهوری اسلامی، وظیفه دارند مانع شوند که دستاوردهای مردم ایران از بین برود.	ایستادگی و پایداری ملت در کنار مسئولین برای مسیر توسعه و سازندگی
۱۲	۱۳۷۵/۰۳/۱۶	ملت ایران در صورتی می‌تواند زندگی را به آبادی و توسعه و رشد حقیقی برساند که بتواند روی پای خود بایستد و احکام الهی را در زندگی عمل و پیاده کند و دست‌وپای دشمن را به‌کلی از این کشور قطع نماید.	توسعه زیر سایه عمل به احکام دینی
۱۳	۱۳۷۵/۰۶/۰۸	در تمام این مراحل [سازندگی]، بایستی آن ارزش‌های معنوی در نظر باشد؛ که اگر نباشد، آن وقت این سازندگی، به آن مقصودی که شما از آن دارید، نخواهد رسید و نخواهد توانست آن نظام الهی و قدرت سازندگی اسلام و دین و قدرت اداره یک ملت و یک کشور به‌وسیله احکام الهی را معرفی کند و نشان دهد.	حضور همزمان سازندگی و ارزش‌ها در مسیر توسعه
۱۴	۱۳۷۶/۰۱/۰۱	با وجود آنکه این همه با اسلام مخالفت می‌کنند، ولی رو به توسعه است. چرا؟ چون یعنی استدلالی که برای عامه مردم، قابل فهم است.	مبانی اسلامی عمیق و عوام فهم؛ تکیه‌گاه توسعه
۱۵	۱۳۷۶/۰۲/۱۰	اگر ما بتوانیم در میان خودمان، این دو رکن یعنی علم و عمل، تعلیم و تربیت و کار و ابتکار را توسعه دهیم و در این دو زمینه، پیشرفتی محسوس در کشور به‌وجود آوریم حرکت کشور به سمت هدف‌ها سریع خواهد شد.	حضور توأمان دو عنصر تعلیم - تربیت و کار - ابتکار در مسیر توسعه
۱۶	۱۳۷۶/۰۴/۲۵	سازندگی، توسعه را برای قسط و عدل می‌خواهیم؛ برای	توسعه و سازندگی

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
		اینکه در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسان‌ها می‌توانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به‌دست آورند.	به‌مثابه یک ابزار نیل به عدل اجتماعی؛ نه به‌عنوان یک هدف غایی
۱۷	۱۳۷۶/۰۷/۲۴	همه بخش‌های سازندگی در این جهت مهم است: سازندگی علمی و صنعتی، سازندگی اقتصادی، سازندگی فرهنگی و سازندگی اخلاقی.	توسعه همه‌جانبه
۱۸	۱۳۷۷/۰۳/۲۱	به برکت آزاد شدن از جاذبه‌ی مغناطیسی غلط مضرّ بیمارگونه استکبار جهانی، توانستیم به خودمان پردازیم. چقدر آثار علمی، چقدر شکوفایی‌ها، چقدر حرکت‌های عظیم، چقدر حیثیت و چقدر امید در این ملت به‌وجود آمد! این ملت زنده شد. بایستی این راه همین‌طور ادامه پیدا کند.	پیشرفت مستقل در زیر سایه رهایی از جاذبه مغناطیسی استکبار جهانی
۱۹	۱۳۸۰/۰۸/۲۰	خود کوچک‌بینی، درست مثل خود بزرگ‌بینی، یک بیماری ملی است. همواره دشمنان سعی کرده‌اند تا ما خود را تحقیر کنیم.	پرهیز از خودکوچک‌بینی و خودبزرگ‌بینی در مسیر توسعه و پیشرفت
۲۰	۱۳۸۱/۰۳/۰۷	آیا در مقابل سیلی که سرازیر شده و هم‌تیش این است که هویت سیاسی کشورها را به یک هویت جمعی - که در رأس آن، مراکز اقتدار بین‌المللی هستند - تبدیل کند، واقعاً و نمی‌شود مقاومت کرد؟ آیا باید در هاضمه افزون‌طلب و قناعت‌ناپذیر فرهنگ سلطه‌گر هضم شد؟ آیا واقعاً سرنوشت بشریت این است؟ ما معتقدیم که نه؛ این، سرنوشت محتوم کشورها نیست.	پیشرفت و توسعه در سایه حفظ هویت بومی خود در برابر نسخه‌های تجویزی بین‌المللی
۲۱	۱۳۸۱/۱۱/۱۵	«مسئله عدالت یکی از این پیام‌هاست که باید در ذهن مردم جا بیفتد و نزد مردم طالب و عاشق عدالت - عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی، هر دو - به‌عنوان یک شعار اصلی شود.»	تبدیل عدالت به‌شعاری اصلی در مسیر توسعه
۲۲	۱۳۸۲/۰۵/۱۵	«بنده یک‌وقت گفتم همه این شعارهای بزرگ مثل آزادی و استقلال قیودی دارند و آنچه هیچ قیدی ندارد، عدالت است. عدالت به‌طور مطلق مورد نیاز و مورد مطالبه جامعه است.»	توجه به عدالت مطلق در همه شرایط پیشرفت و توسعه
۲۳	۱۳۸۳/۰۶/۰۴	«ما هم توسعه محوریم، هم عدالت‌محور. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد	محوریست عدالت در توسعه (نگاه ابزاری به

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
		اقتصادی در کنار هم و باهم داشته باشیم و این‌ها باهم متناهی نیستند.	توسعه، نوآوری نظام جمهوری اسلامی
۲۴	۱۳۸۲/۰۱/۰۱	بیکاری جوان‌ها و خانواده‌های ما با توسعه و پیشرفت عمومی کشور تضاد جدی خواهد داشت.	توجه به اشتغال و بیکاری تمام جوان‌ها و خانواده‌ها در مسیر توسعه و پیشرفت
۲۵	۱۳۸۲/۰۵/۱۵	در برنامه، هضم نشدن در اقتصاد جهانی رعایت شود؛ پیوستن به سازمان تجارت جهانی از نظر من کاری است مثبت؛ اما هنگامی که ما زیرساخت‌های لازم را برای این کار داشته باشیم.	تعامل با اقتصاد جهانی، پیوستن به سازمان تجارت جهانی از نظر من کاری است مثبت؛ اما هنگامی که ما زیرساخت‌های لازم را برای این کار خود
۲۶	۱۳۸۳/۰۳/۲۷	مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ‌جا نباید تقلید کرد؛ از تجربه‌ها و دانش‌ها باید استفاده کرد، اما الگو و شیوه و مدل را باید کاملاً بومی و خودی انتخاب کرد.	طراحی مدل بومی و اقتضائی توسعه به همراه استفاده از تجربه‌ها و دانش‌های دیگران
۲۷	۱۳۸۴/۰۲/۱۸	مستولان کشور موظفند عدالت را رعایت کنند و طبقات محروم را همواره مورد توجه قرار دهند.	توجه به طبقات محروم و مستضعفین در مسیر توسعه
۲۸	۱۳۸۳/۱۲/۲۷	سند چشم‌انداز بیست‌ساله به‌عنوان سیاست‌های نظام و مطالبات و سیاست‌های رهبری مطرح می‌شود این‌طوری می‌آید که ایران کشوری است توسعه‌یافته، با هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام.	توسعه بر محور هویت اسلامی و انقلابی
۲۹	۱۳۸۴/۰۲/۱۸ و ۱۳۸۴/۰۲/۱۸	«این خطاست اگر خیال کنیم اسلام با پیشرفت و توسعه و رفاه مادی جامعه مخالف است؛ اسلام حیات مادی مردم را هم تأمین می‌کند؛ منتها غرق شدن در حیات مادی، فراموش کردن ارزش‌های معنوی، ایجاد شکاف بین طبقات جامعه، و فاصله انداختن بین قشرهای مختلف مردم را نمی‌پسندد و نمی‌پذیرد.» «تأمین حیات مادی مردم در زیر سایه تأمین حیات معنوی. پیشرفت جامعه به این شکل که با معنویت همراه است، مورد نظر اسلام است.»	تأمین حیات مادی مردم در زیر سایه معنوی

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
۳۰	۱۳۸۴/۰۲/۱۹	در تجربه غربی، عدالت اجتماعی و حتی دموکراسی واقعی نیست. شما ببینید امروز در کشورهای پیشرفته غربی - به قول خودشان - اپوزیسیون به معنای واقعی کلمه وجود ندارد؛ دعوا بر سر این نیست که اصول پذیرفته شده آن کشورها مورد خدشه قرار بگیرد. این طوری نیست. آزادی واقعی بیان و آزادی انتخاب هم به معنایی که آنها شعارش را می‌دهند، در آنجا نیست.	مضمون سازمان‌دهنده
۳۱	۱۳۸۴/۰۲/۱۹	ما علم را از همه کس می‌گیریم؛ حرفی نداریم. اما ننگمان می‌کند که همیشه شاگرد بمانیم. شاگردی می‌کنیم تا استعداد خود را پرورش دهیم و از درون بجوشیم.	توسعه در ظل شکوفایی و استقلال علمی از مجرای تلاش خود و تعلم از تمام جهان
۳۲	۱۳۸۵/۰۱/۰۱	پیشرفت همراه با عدالت، کار خستگی ناپذیر، اراده مستحکم، برنامه‌ریزی دقیق و بالاتر از همه آنها، همراهی و کمک بی‌دریغی از مردم را طلب می‌کند، تا بتوانند در کشور پیشرفت شایسته این ملت راه همراه با عدالت به وجود آورند.	کمک آحاد مردم؛ عنصر جدایی ناپذیر توسعه
۳۳	۱۳۸۵/۰۱/۰۱	هر ملتی که عالم باشد، می‌تواند فرمانروایی کند. علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنیم به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه کشور.	ایجاد بومی و مستقل چهارگانه علم، فناوری، صنعت و توسعه
۳۴	۱۳۸۵/۰۷/۱۸	آن روز [اول انقلاب] حدس هم نمی‌شد زد که با وجود آن مشکلاتی که سر راه هست، بشود به این نقطه رسید؛ اما به توفیق الهی رسیدیم. این [رشد شاخص‌های پیشرفت و توسعه] بر اثر ایستادگی همراه با باور بود و راهش همین است.	ایستادگی همراه با باور خود، شرط لازم تحقق توسعه و پیشرفت
۳۵	۱۳۸۵/۰۸/۱۸	اساس تحول باید بر «ملاحظه عناصر اصلی هویت ملی» قرار داده شود، که آرمان‌های اساسی و اصولی مهم‌ترین آنهاست.	ملاحظه دقیق عناصر اصلی هویت ملی در مسیر توسعه
۳۶	۱۳۸۵/۰۸/۱۸	آنچه که پیشرفت هست، این است که ما از هر که و هر جور، همه دانش‌های مورد نیازمان را فراگیریم؛ از پیشرفت‌های دنیا فراگیریم، آن را بین خودمان بر طبق نیازها و عرف و فرهنگ خودمان تحلیل و فهم کنیم و با جامعه‌مان تطبیق کنیم.	بومی‌سازی دانش‌ها بین‌المللی در همه عرصه‌ها برای توسعه
۳۷	۱۳۸۵/۰۸/۱۸	درباره مشکلات اجتماعی‌ای که در کشور وجود دارد، تحقیق کنیم و راه ریشه کردن این‌ها را پیدا کنیم این‌ها	ریشه‌یابی مشکلات موجود با روش علمی

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
		تحقیق می‌خواهد. این، می‌شود پیشرفت.	جهت تحقق پیشرفت
۳۸	۱۳۸۶/۰۲/۲۵	امروز در چشم بسیاری از نخبگان ما، بسیاری از کارگزاران ما، مدل پیشرفت صرفاً مدل‌های غربی است؛ هم غلط است، خطاست، هم خطرناک است.	توسعه بومی همراه پرهیز اکید از کلیشه توسعه توصیه‌شده غربی
۳۹	۱۳۸۶/۰۲/۲۵	الگوهای غربی با شرایط خودشان، با مبانی ذهنی خودشان، با اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ به‌علاوه ناموفق بوده. این [توسعه اشتباه غربی] همان پیشرفت و توسعه‌ای است که توانسته است گروه‌های معدود و انگشت‌شماری از خانواده‌های ثروت را به ثروت برساند؛ اما ملت‌های دیگر را دچار اسارت و تحقیر و استعمار کرده؛ جنگ به‌وجود آورده و حکومت تحمیل کرده است و در داخل خود آن کشورها هم اخلاق فاسد، دوری از معنویت، فحشا، فساد، سکس، ویرانی خانواده و این چیزها را رواج داده. بنابراین، موفق نیست.	عدالت اخلاقی و اقتصادی آحاد جامعه خود و تحفظ جوامع دیگر در مسیر توسعه
۴۰	۱۳۸۶/۰۲/۲۵	ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است.	توسعه بر مبنای چهارچوب اسلامی - ایرانی (متکی بر مبانی اسلام و به‌دست ایران)
۴۱	۱۳۸۶/۰۲/۲۵	پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می‌شود، باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است، نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی. این محور پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است.	انتفاع انسانیت و انسان هدف توسعه؛ برخلاف توسعه انسان غربی محور
۴۲	۱۳۸۶/۰۲/۲۵	پیشرفت از نظر غرب، پیشرفت مادی است؛ محور، سود مادی است؛ اما از نظر اسلام، پیشرفت این نیست، البته پیشرفت مادی مطلوب است، اما به‌عنوان وسیله، هدف، رشد و تعالی انسان است.	پیشرفت مادی، به‌عنوان وسیله‌ای برای تعالی انسان (بر عکس پیشرفت مادی محور غربی)
۴۳	۱۳۸۶/۰۲/۲۵	آن چیزی که ما به آن نیاز داریم، این است که نقشه پیشرفت کشورمان را بر اساس جهان‌بینی اسلام برای این انسان، انسان در منطق اسلام، فراهم و تهیه کنیم. معنویت، پایه اساسی این پیشرفت خواهد بود. پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی که دارای بُعد معنوی قوی است و انسانی که علم و دنیا و ثروت و فعالیت زندگی را وسیله‌ای	معنویت، ستون اصلی پیشرفت و توسعه

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
		قرار می‌دهد برای تعالی روحی و رفتن به سوی خدای متعال، این پیشرفت با آن پیشرفت خیلی متفاوت است.	
۴۴	۱۳۸۶/۰۲/۲۵	تحول، سنت الهی است در زندگی بشر. با او سینه‌به‌سینه نباید شد؛ از او استقبال باید کرد. باید تحول را مدیریت کرد، تا به پیشرفت بینجامد.	گرایش فطری به توسعه و استقبال از تحول
۴۵	۱۳۸۶/۱۰/۱۳	این اعتمادبه‌نفس، هم در کشفیات هست، هم در علم هست، هم در ساخت و تولید هست، هم در الگوی توسعه هست.	ایجاد اعتمادبه‌نفس در همه عرصه‌ها در مسیر توسعه
۴۶	۱۳۸۶/۱۰/۱۳	علم [دیگران] را یاد بگیریم؛ اما نسخه بیماری خودمان را خودمان بنویسیم، تا مورد اعتماد خودمان باشد، تا بتوانیم به آن تکیه کنیم، اطمینان کنیم.	علم‌آموزی از دیگران با رویکرد غیر تقلیدی و توانمندسازی و استقلال خود
۴۷	۱۳۸۸/۰۲/۲۷	هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین‌کننده استقلال کشور باشد؛ این هر الگویی از الگوهای طراحی‌شونده برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، دلیل کند و دنباله‌رو وابستگی آن کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است.	الگوی توسعه؛ گامی برای استقلال کشور نه وابستگی آن
۴۸	۱۳۸۸/۰۲/۲۷	جهانی‌شدن، اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر می‌کند بازارهای جهانی به رویش بازمی‌شود، اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد. اگر قرار است جهانی‌شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند.	جهانی‌شدن با حفظ استقلال
۱۹	۱۳۹۵/۰۱/۲۴	توسعه به معنای وسیعش، پیشرفت - آنچه ما ترجمه می‌کنیم آن را به پیشرفت - که باید در زمینه‌های گوناگون اقتصادی مشاهده بشود؛ این احتیاج به کمک دارد، یعنی همه [مسئولان کشور] باید دولت را برای این کار کمک کنند.	مداخله تمام واحدهای رسمی جامعه برای بعد اقتصادی توسعه
۵۰	۱۳۷۸/۰۱/۱۹	در تنظیم سیاست‌های اقتصادی لازم است امر رشد و توسعه همراه باشد با تأمین امنیت کامل برای سرمایه‌گذاری مشروع، جلوگیری از تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص، جلوگیری از پیدایش فساد، ارتشاء و	تحقق اقتصاد مشروع و تولید ثروت حلال

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
		انحصار و ثروت‌های حرام	
۵۱	۱۳۷۸/۰۲/۳۰	پیام به ریاست محترم جمهوری در خصوص سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله سوم: توجه به توسعه متکی بر منابع داخلی و رفیع محرومیت‌ها خصوصاً در مناطق روستایی کشور.	توسعه متکی بر منابع داخلی و رفیع محرومیت‌ها
۵۲	۱۳۸۲/۰۸/۱۲	[ویژگی‌های ایران توسعه‌یافته در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴]: توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضائی.	- متکی بر گزاره‌های اسلامی، ملی و انقلابی - تأکید بر مردم‌سالاری دینی و آزادی‌های مشروع - بهره‌مندی ملت از امنیت اجتماعی و قضائی - حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها
۵۳	۱۳۸۲/۰۸/۱۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت] بنیادی‌ترین واحد تشکیل‌دهنده جامعه، خانواده است که نقشی بی‌بدیل در تولید، حفظ و ارتقای فرهنگ جامعه دارد.	خانواده، بنیادی‌ترین واحد جامعه
۵۷	۱۳۸۲/۰۸/۱۲	[ویژگی‌های ایران توسعه‌یافته در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴]: الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه). توسعه کارآمد.	- الهام‌بخش در جهان اسلام بر پایه اتکا بر اندیشه‌های اسلامی و امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) - توسعه کارآمد - پویایی فکری و اجتماعی
۵۵	۱۳۸۲/۰۸/۱۲	[ویژگی‌های ایران توسعه‌یافته در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴]: تعامل عزت‌آفرین و دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.	تعامل عزت‌آفرین و حکیمانه با جهان
۵۶	۱۳۹۴/۰۴/۰۹	ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه: حضور مؤثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در فضای مجازی به‌منظور توسعه و ترویج فرهنگ، مفاهیم و هویت اسلامی - ایرانی و مقابله با تهدیدها.	مداخله تمام واحدهای دولتی و رسمی و مردمی برای توسعه فرهنگی

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
۵۷	۱۳۹۴/۱۲/۲۰	چنانچه کشور این سه اولویت اقتصاد مقاومتی، جهش علمی و مصون‌سازی فرهنگی را مورد ملاحظه قرار داد، پیشرفت خواهد کرد. مراد ما از پیشرفت، پیشرفت صوری نیست، پیشرفت حقیقی است.	- اقتصاد مقاومتی - جهش علمی - مصون‌سازی فرهنگی
۵۸	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: بسترسازی برای استقرار متعادل جمعیت و توازن منطقه‌ای در پهنه سرزمین بر مبنای آمایش ملی و تخصیص امکانات و تسهیل و تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی و فرهنگی مناطق مختلف و توانمندسازی مناطق محروم با توجه به استعدادهای سرزمینی.	تخصیص منابع اقتصادی - فرهنگی جهت استقرار متوازن جمعیت
۵۹	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: تمرکززدایی در ساختار اقتصادی - مالی کشور با واگذاری برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری به استان‌ها و شهرستان‌ها در چهارچوب سیاست‌های ملی.	تمرکززدایی در ساختار اقتصادی؛ از طریق برون‌سپاری امور مالی به استان‌ها و شهرستان‌ها
۶۰	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: بهره‌گیری از دیپلماسی فعال اقتصادی در کسب فناوری‌های پیشرفته و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات و حمایت از صادرات تولیدات داخلی با ارزش افزوده.	دیپلماسی فعال اقتصادی در سرمایه‌گذاری، صادرات و واردات
۶۱	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: تعیین ضوابط عادلانه و شفاف‌سازی فرایندهای تخصیص امکانات و امتیازات دولتی؛ درآمد، ثروت و معیشت مسئولان حکومتی و منابع و هزینه‌های مالی فعالیت سیاستمداران و تشکل‌های سیاسی.	شفافیت‌داری‌های دولتی و اشخاص حقوقی
۶۲	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: پیشگیری از شکل‌گیری تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران، گسترش بسیج مردمی و تقویت بنیه دفاعی بازدارنده.	پیشگیری از تهدید علیه کشور؛ از طریق بسیج مردمی و تقویت بنیه دفاعی کشور
۶۳	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: تقویت اقتدار حاکمیتی و ارتقای نظام سیاسی و متناسب‌سازی ساختار اداری کشور با روش‌های جدید به گونه‌ای که کمتر از یک درصد جمعیت کشور حقوق‌بگیر دولت باشند.	اقتدار حاکمیتی - سیاسی
۶۴	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: گزینش مسئولان و	گزینش مسئولان رسمی

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
		مدیران بر مبنای التزام عملی آنان به حد کفاف در معیشت و اهتمام ایشان به هنجارهای عدالت، صداقت، راستگویی، اعتماد، فداکاری و پاسخگویی.	بسر اساس ارزش‌های فردی و جمعی
۶۵	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: ترویج عقلانیت و روحیه جهادی در جهان اسلام و حمایت از حرکت‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش و استیفای حقوق مردم فلسطین.	تقویت و ترویج عقلانیت و روحیه جهادی در جهان اسلام
۶۶	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: ارتقای نظارت رسمی، مردمی و رسانه‌ای بر ارکان و اجزای نظام و پیشگیری از تداخل منافع شخصیت حقیقی و حقوقی مسئولان و کارکنان حکومت و برخورد بدون تبعیض با مفسدان به‌ویژه در سطوح مدیریتی.	- نظارت همه‌جانبه دولتی مردمی بر ارکان نظام - تمییز منافع حقیقی و حقوقی مسئولان - برخورد با مفسدان خصوصاً در سطح کلان
۶۷	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: گسترش و تقویت تشکل‌های مردمی به‌منظور افزایش سرمایه اجتماعی و تحکیم ساختار درونی نظام.	گسترش و تقویت تشکل‌های مردم‌نهاد
۶۸	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: تقویت فضای آزاداندیشی به‌منظور ارزیابی و نقد علمی سیاست‌ها و عملکردهای گذشته و حال برای تصحیح مستمر آن و حفظ آینه مسیر انقلاب اسلامی.	ترویج آزاداندیشی جهت اصلاح گذشته و تقویت عملکردهای گذشته و حال برای تصحیح مستمر آن و حفظ آینه
۶۹	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: فعال کردن قابلیت‌های سرزمینی و موقعیت ارتباطی ایران از طریق ایجاد زیرساخت‌های پیشرفته برای تبدیل ایران به قطب راهبردی فرهنگی، علمی، فناوری و اقتصادی.	تقویت محوریت ارتباطی ایران
۷۰	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: گسترش قطب‌های گردشگری طبیعی، فرهنگی، مذهبی و سلامت با محوریت مناطق و مراکز هویت‌ساز.	گسترش گردشگری همه‌جانبه حول مناطق هویت‌ساز
۷۱	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: اعتلا و تقویت و ترویج دانش بومی در حوزه سلامت مبتنی بر شواهد متقن علمی.	توسعه دانش بومی در حوزه سلامت
۷۲	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: ارتقای توانمندی‌های حوزه پزشکی با هدف ارائه آموزش، خدمات و تولیدات در سطح ملی و بین‌المللی.	توانمندسازی حوزه پزشکی

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
۷۳	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: اعتلای منزلت و حقوق زنان و ارتقای جایگاه اجتماعی و فرصت‌های عادلانه آنان و تأکید بر نقش مقدس مادری.	ارتقای جایگاه زنان با محوریت نقش مادری
۷۴	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: ارتقای استقلال، اقتدار، پاسخگویی و تخصصی شدن نظام قضایی و تربیت و جذب قضات عالم و متعهد و دانش‌افزایی مستمر و نظارت بر عملکرد قضات و کارکنان قضایی و اصلاح و الکترونیکی کردن فرایندهای دادرسی.	- ارتقای نظام قضایی - نظارت بر نظام قضا
۷۵	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: طراحی و اجرای راه‌های پیشگیری از جرم و افزایش آگاهی و اخلاق اجتماعی و تقوای عمومی.	- برنامه‌ریزی معطوف به پیشگیری از جرم - تقویت تقوای عمومی
۷۶	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: گسترش فهم عمیق و تحکیم نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه.	فهم عمیق نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه
۷۷	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: کاهش شدت مصرف انرژی و متناسب‌سازی سهم تولید و مصرف انرژی از منابع انرژی پاک.	اصلاح الگوی مصرف
۷۸	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: مصون‌سازی و تقویت فرایندها، سیاست‌ها، تصمیمات و نهادهای اقتصادی در مقابل تکان‌های سیاسی - اقتصادی هدفمند و غیرهدفمند برونزا.	مصون‌سازی بنیادهای اقتصادی در برابر بحران‌ها
۷۹	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: توقف خام‌فروشی منابع طبیعی ظرف ۱۵ سال از زمان شروع اجرای الگو و جایگزینی آن با زنجیره پیش‌رونده تولید ارزش‌افزوده ملی در داخل و خارج کشور.	ایجاد ارزش افزوده در منابع خام سرزمینی (توقف خام‌فروشی)
۸۰	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: اهتمام به احیا و توسعه نمادهای اسلامی ایرانی به‌ویژه در پوشش، معماری و شهرسازی با حفظ تنوع فرهنگی در پهنه سرزمین.	نمادسازی ایرانی - اسلامی
۸۱	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: توسعه علوم بین‌رشته‌ای و مطالعات و پژوهش‌های چندرشته‌ای بدیع و مفید.	ترویج مطالعات بین‌رشته‌ای
۸۲	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: کوشش و تعامل فکری بلندمدت و پایدار نخبگان و مؤسسه‌های علمی برجسته کشور در عرصه بین‌المللی.	تعامل نخبگان فکری در عرصه بین‌الملل

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
۸۳	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: حمایت فزاینده و مطالبه متناسب از برجسته‌ترین مؤسسه‌ها و شخصیت‌های علمی کشور برای تولید علم در راستای رفع نیازها و حل مسائل اساسی جامعه.	پشتیبانی از مجموعه‌های حقیقی و حقوقی برای تولید علم نافع
۸۴	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: ارتقای مهارت‌های حرفه‌ای بومی به فناوری‌های صنعتی با استفاده از دستاوردهای نوین علمی و تجارب تاریخی و احیای بازارهای تولیدی تخصصی مطابق قابلیت‌های سرزمینی.	توسعه مهارت‌های حرفه‌ای بومی به فناوری‌های صنعتی
۸۵	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: التزام به رعایت اصول و قواعد اسلامی در غایت و ساختار تصمیمات، سیاست‌گذاری‌ها و نهادسازی‌های اقتصادی و مالی.	التزام به قواعد دینی در تمام ابعاد اقتصادی
۸۶	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: تحقق عدالت مالیاتی و کاهش فاصله‌های جمع درآمد خالص خانوار از طریق ایجاد نظام یکپارچه مالیات ستانی، تأمین اجتماعی و ارائه تسهیلات مالی با بهره‌گیری از سامانه جامع اطلاعاتی ملی.	تحقق عدالت مالیاتی
۸۷	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: تسهیل ورود کارآفرینان به عرصه‌های اقتصادی به‌ویژه اقتصاد دانش بنیان و کاهش هزینه‌های کسب و کار با تأکید بر اصلاح قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی کشور.	تسهیل ورود کارآفرینان به عرصه‌های اقتصادی
۸۸	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: تحقق عدالت در ساختار قانونی نظام بانکی با ایجاد انضباط پولی، رهایی از ربای قرضی، توزیع عادلانه خلق پول بانکی و بهره‌مندسازی عادلانه آحاد مردم جامعه از خدمات پولی.	حاکمیت عدالت در نظام بانکی؛ از طریق انضباط پولی و رهایی از ربای قرضی و توزیع عادلانه خلق پول بانکی
۸۹	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: استقلال بودجه دولت از درآمدهای حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی و انتقال این درآمدها به مردم.	استقلال دولت از ثروت‌های عمومی و انتقال این درآمدها به مردم
۹۰	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: جامعه به‌عنوان بستر تعامل و مشارکت در جهت تأمین انواع نیازها و شکوفایی استعدادها، نافی هویت فردی، اختیار و مسئولیت اعضا نیست ولی می‌تواند به بینش، گرایش، منش، توانش و کنش ارادی آنها جهت دهد و از افراد به‌ویژه نخبگان اثر پذیرد.	تقدم جامعه بر فرد در تعامل آن دو

ردیف	شناسه داده	مضمون پایه‌ای (منبع داده)	مضمون سازمان‌دهنده
۹۱	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: ساخت‌یافتگی جامعه عمدتاً مبتنی بر فرهنگ است که به‌منابه هویت و روح کلی جامعه در اجزاء و عناصر خرد و کلان آن حضور دارد.	فرهنگ؛ زیربنای جامعه
۹۲	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: پیشرفت حقیقی با هدایت دین اسلام، رهبری پیشوای الهی، مشارکت و اتحاد مردم و توجه به غایت پایدار تحقق کلمه الله حاصل می‌شود.	الگوی امام - امت؛ عنصر اصلی پیشرفت
۹۳	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: جهت‌گیری تاریخ به سوی آینده‌ای پیشرفته در تمام ابعاد مادی و معنوی با حاکمیت ایمان و تقوا و رهبری امام معصوم (علیه‌السلام) است.	ایمان به «حرکت تاریخ به سوی پیشرفت مادی - معنوی با رهبری امام معصوم (علیه‌السلام)
۹۴	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: جامعه دینی مبتنی بر شکل‌گیری مناسبات اجتماعی بر اساس اصول و ارزش‌های دینی است و دینداری فردی آحاد جامعه به تنهایی ضامن تحقق جامعه دینی نیست.	جامعه‌پذیری دین‌مدار
۹۵	۱۳۹۷/۰۷/۲۲	[سند الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت]: شماری از سنت‌های الهی حاکم بر جوامع و تاریخ عبارت‌اند از: پیوند تحولات اجتماعی با نفس و اراده انسان؛ وفور نعمت در اثر تقوی، عدالت و استقامت؛ عذاب و کیفر جامعه در صورت گسترش ظلم، فساد، گناه و ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ امهال و استدراج و سلطه مؤمنان بر اهل باطل.	ایمان به سنت‌های الهی حاکم بر جوامع
۹۶	۹۷/۰۸/۱۲	نظریه مقاومت در مقابل دشمن قوی‌پنجه را تبلیغ کنید، ترویج کنید. بعضی تصور نکنند که چون دشمن بمب دارد، موشک دارد، دستگاه‌های تبلیغاتی دارد و از این قبیل، ما عقب‌نشینی [کنیم]؛ نخیر، نظریه مقاومت، یک نظریه اصیل و درست است؛ هم در مقام نظر، هم در مقام عمل.	توجه به نظریه مقاومت - اتکا به توان داخلی در برابر دشمنان خارجی
۹۷	۹۷/۰۸/۱۲	شما جوان‌ها خودتان را در قبال مسئله پیشرفت کشور مسئول بدانید. برنامه پیشرفت، برنامه مشخصی است، برنامه فکری شده و سنجیده‌ای است.	میدان‌داری جوانان برای پیشرفت کشور

۱-۵. مبانی نظری پیشرفت

بعد از تجزیه و سازمان‌دهی مضامین پایه، مضامین فراگیر با حوزه موضوعی مبانی نظری توسعه در شش مضمون محوری به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند:

جدول (۲): تحلیل مضمون نظریه پیشرفت آیت‌الله خامنه‌ای - مبانی نظری پیشرفت

ردیف	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	خودباوری و اتکا به یاری حق تعالی؛ شرط حرکت و پیشرفت	شریعت‌محور
	ایمان به سنت‌های الهی حاکم بر جوامع	
	جامعه‌پذیری دین‌مدار	
	ایمان به «حرکت تاریخ به سوی پیشرفت مادی - معنوی با رهبری امام معصوم (علیه‌السلام)	
	الگوی امام - امت؛ عنصر اصلی پیشرفت	
	فهم عمیق نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه	
	رابطه ارگانیک و بقابخش عناصر توسعه با یکدیگر در نظام اسلامی	
	توسعه زیر سایه عمل به احکام دینی	
	مبانی اسلامی عمیق و عوام‌فهم؛ تکیه‌گاه توسعه	
	توسعه بر محور هویت اسلامی و انقلابی	
	توسعه بر مبنای چهارچوب اسلامی - ایرانی (متکی بر مبانی اسلام و به‌دست ایران)	
	معنویت، ستون اصلی پیشرفت و توسعه	
	حضور توأمان دو عنصر تعلیم - تربیت و کار - ابتکار در مسیر توسعه	
	متکی بر گزاره‌های اسلامی، ملی و انقلابی	
	الهام بخش در جهان اسلام بر پایه اتکا بر اندیشه‌های اسلامی و امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)	
	تقدم جامعه بر فرد در تعامل دوسویه	
	توجه به عدالت مطلق در همه شرایط پیشرفت و توسعه	
تبدیل عدالت به شعاری اصلی در مسیر توسعه		
توسعه و سازندگی به‌مثابه یک ابزار نیل به عدل اجتماعی؛ نه به‌عنوان یک هدف غایی		
پرهیز از خودکوچک بینی و خودبزرگ بینی در مسیر توسعه و پیشرفت		
انتفاع انسانیت و انسان؛ هدف توسعه		

ردیف	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
	حضور همزمان سازندگی و ارزش‌ها در مسیر توسعه	
۲	توسعه همه‌جانبه	مناسبات اجتماعی کارآمد و کرامت‌محور: در حوزه قضا، سلامت، ارتباطات و...
	ارتقای نظام قضایی	
	توانمندسازی حوزه پزشکی	
	توجه به اشتغال و بیکاری تمام جوان‌ها و خانواده‌ها در مسیر توسعه و پیشرفت	
	تعامل با اقتصاد جهانی، با حفظ ساختار و هویت خود	
	تأمین حیات مادی مردم در زیر سایه حیات معنوی	
	پیشرفت مادی، به‌عنوان وسیله‌ای برای تعالی انسان	
	گرایش فطری به توسعه و استقبال از تحول	
	جهانی‌شدن با حفظ استقلال	
	توسعه کارآمد	
۳	تحمّل آزادی و منافع سایر افراد و ملت‌ها در مسیر توسعه	متکی بر حضور دولت - ملت
	تعامل عزت‌آفرین و حکیمانه با جهان	
	حضور مستمر و مؤثر مردم در تمامی مراحل پیشرفت و توسعه	
	ایستادگی و پایداری ملت در کنار مسئولین برای مسیر توسعه و سازندگی	
	کمک آحاد مردم؛ عنصر جدایی‌ناپذیر توسعه	
	مداخله تمام واحدهای رسمی جامعه برای بعد اقتصادی توسعه	
۴	تأکید بر مردم‌سالاری دینی و آزادی‌های مشروع	بومی
	بهره‌مندی ملت از امنیت اجتماعی و قضایی	
	پیشرفت و توسعه در سایه حفظ هویت بومی و تمدنی منحصر به فرد خود در برابر نسخه‌های تجویزی بین‌المللی	
	توجه به نظریه مقاومت - اتکا به توان داخلی در برابر دشمنان خارجی	
	ایجاد بومی و مستقل چهارگانه علم - فناوری - صنعت - توسعه	
	طراحی مدل بومی و اقتضائی توسعه به‌همراه استفاده از تجربه‌ها و دانش‌های دیگران	
	ملاحظه دقیق عناصر اصلی هویت ملی در مسیر توسعه	
توسعه بومی همراه پرهیز اکید از کلیشه توسعه توصیه شده غربی		
الگوی توسعه؛ گامی برای استقلال کشور نه وابستگی آن		

ردیف	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
	پیشرفت مستقل در زیر سایه رهایی از جاذبه مغناطیسی استکبار جهانی	
۵	استقلال ملت‌ها؛ شرط لازم پیشرفت و توسعه آنها	اندیشه بنیاد
	حضور محوری علم و عالمان در مسیر پیشرفت و توسعه	
	توسعه در ظل شکوفایی و استقلال علمی از مجرای تلاش خود و تعلم از تمام جهان	
	ترویج آزاداندیشی جهت اصلاح گذشته و تقویت آینده	
	پویایی فکری و اجتماعی	
۶	جهش علمی	مبانی اقتصادی - فرهنگی
	اقتصاد مقاومتی	
	تحقق اقتصاد مشروع و تولید ثروت حلال	
	تأمین عدالت اخلاقی و اقتصادی برای آحاد جامعه و تحفظ جوامع دیگر در مسیر توسعه	
	التزام به قواعد دینی در تمام ابعاد اقتصادی	
	حاکمیت عدالت در نظام بانکی	
	مصون‌سازی بنیادهای اقتصادی در برابر بحران‌ها	
	مصون‌سازی فرهنگی	
	فرهنگ؛ زیربنای جامعه	
فرهنگ و اخلاق، مهم‌ترین عنصر در مسیر توسعه و پیشرفت		
	خانواده، بنیادی‌ترین واحد جامعه	

۲-۵. راهبردهای عمل‌گرایانه توسعه

بعد از تجزیه و سازماندهی مضامین پایه، مضامین فراگیر با حوزه موضوعی راهبردهای علم‌گرایانه توسعه به شرح زیر دسته‌بندی شده‌اند:

جدول (۳): تحلیل مضمون نظریه پیشرفت آیت‌الله خامنه‌ای - راهبردهای عمل‌گرایانه توسعه

ردیف	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها	شریعت‌محور
	تحفظ منابع سایر ملل در مسیر توسعه	
	ایجاد اعتمادبه‌نفس در همه عرصه‌ها در مسیر توسعه	
	مقاومت و فداکاری در مسیر پیشرفت و توسعه	

ردیف	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
	تقویت تقوای عمومی	
	ایستادگی همراه با باور خود، شرط لازم تحقق توسعه و پیشرفت	
	تقویت و ترویج عقلانیت و روحیه جهادی در جهان اسلام	
۲	تقویت محوریت ارتباطی ایران	مناسبات اجتماعی کارآمد و کرامت محور: در حوزه قضا، سلامت، ارتباطات و...
	نظارت بر نظام قضا جهت ارتقای آن	
	برخورد با مفسدان خصوصاً در سطح کلان	
	پیشگیری از تهدید علیه کشور؛ از طریق بسیج مردمی و تقویت بنیه دفاعی کشور	
	اقتدار حاکمیتی - سیاسی	
	نظارت همه‌جانبه دولتی مردمی بر ارکان نظام	
	توسعه دانش بومی در حوزه سلامت	
گسترش گردشگری همه‌جانبه حول مناطق هویت‌ساز		
۳	باسوادی آحاد مردم برای حرکت در مسیر پیشرفت	متکی بر حضور دولت - ملت
	مداخله تمام واحدهای دولتی و رسمی و مردمی برای توسعه فرهنگی	
	توجه به طبقات محروم و مستضعفین در مسیر توسعه	
	گسترش و تقویت تشکلهای مردم نهاد	
۴	میدان‌داری جوانان برای پیشرفت کشور	بومی
	توسعه مهارت‌های حرفه‌ای بومی به فناوری‌های صنعتی	
	توسعه متکی بر منابع داخلی و رفع محرومیت‌ها	
	علم‌آموزی از دیگران با رویکرد: غیرتقلیدی - توانمندسازی - استقلال خود	
۵	بومی‌سازی دانش‌های بین‌المللی در همه عرصه‌ها برای توسعه	اندیشه بنیاد
	ترویج مطالعات بین‌رشته‌ای	
	تعامل نخبگان فکری در عرصه بین‌الملل	
	پشتیبانی از مجموعه‌های حقیقی و حقوقی برای تولید علم نافع	
	ریشه‌یابی مشکلات موجود با روش علمی جهت تحقق پیشرفت	
۶	استقلال دولت از ثروت‌های عمومی و انتقال این درآمدها به مردم	مبانی اقتصادی - فرهنگی
	حاکمیت عدالت در نظام بانکی؛ از طریق انضباط پولی و رهایی از ربای	
	قرضی و توزیع عادلانه خلق پول بانکی	
	تسهیل ورود کارآفرینان به عرصه‌های اقتصادی	
	تحقق عدالت مالیاتی	

ردیف	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
	ایجاد ارزش افزوده در منابع خام سرزمینی (توقف خام‌فروشی)	
	اصلاح الگوی مصرف	
	شفافیت دارایی‌های دولتی و اشخاص حقوقی	
	دیپلماسی فعال اقتصادی در سرمایه‌گذاری، صادرات و واردات	
	تمرکززدایی در ساختار اقتصادی؛ از طریق برون‌سپاری امور مالی به استان‌ها و شهرستان‌ها	
	تخصیص منابع اقتصادی - فرهنگی جهت استقرار متوازن جمعیت	
	ارتقای جایگاه زنان با محوریت نقش مادری	
	تمییز منافع حقیقی و حقوقی مسئولان	
	نمادسازی ایرانی - اسلامی	

در مرحله آخر قالب مضامین توسعه مطلوب از منظر آیت‌الله خامنه‌ای به این صورت قابل بیان است:

جدول (۴): تحلیل مضمون نظریه پیشرفت آیت‌الله خامنه‌ای - شبکه مضامین

شبکه مضامین با مضمون محوری	
شریعت‌محور	پیشرفت اسلامی - ایرانی
مناسبات اجتماعی کارآمد و کرامت‌محور: در حوزه قضا، سلامت، ارتباطات و ...	
متکی بر حضور دولت - ملت	
بومی	
اندیشه بنیاد	
مبانی فرهنگی - اقتصادی	

با نگاه به مبانی پیشرفت در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای با اندیشمندان مسلمانی که قائل به تمدن‌سازی هستند برمی‌آید که نظرهای همه آنها در یک جهت هماهنگ با یکدیگر می‌باشد که با عبارتهای مختلف همه یک هدف را بیان کرده‌اند. لذا شریعت‌محوری، تقدم اجتماع بر مسائل فردی، نگاه توأمان به دین و دنیا، ارزشمندی آحاد جامعه در مسیر پیشرفت، مناسبات اجتماعی کارآمد و اثرگذار، حرکت نیازمحور و بومی، حضور سه منبع مهم حس و عقل و وحی در کنار یکدیگر، از وجوه اشتراک مفهوم پیشرفت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای و سایر اندیشمندان مسلمان می‌باشد.

اما آنچه اندیشمندان غربی از توسعه مدنظر دارند یک نگاه دنیا محور است که سایر شئون توسعه تحت الشعاع بعد اقتصادی قرار دارد. به‌طور کلی می‌توان وجه تفاوت مفهوم پیشرفت در اندیشه اندیشمندان مسلمان و دانشمندان غربی را جایگاه دین و شریعت و چهارچوب‌های متأثر از اصول شریعت دانست. در چهارچوب فکری اندیشمندان مسلمان، دین بسان چتری بوده که بر سایر شئون زندگی سایه افکنده و دارای جایگاه محوری می‌باشد، ولی در چهارچوب توسعه غربی، دین هم‌عرض سایر شئون زندگی است. لذا سایر تفاوت‌های پیشرفت در اندیشه اندیشمندان مسلمان با توسعه غربی را باید در نگاه دین اسلام به پیشرفت جستجو کرد. منبعث از این تفاوت ریشه‌ای، اختلاف اصلی این دو نگاه توجه بر وجوه مادی - معنوی توسعه و همچنین تقدم فرد یا جمع می‌باشد. «اندیشمندان مسلمان بر ابعاد غیرمادی توسعه بیشتر از صاحب‌نظران علوم توسعه تأکید ورزیده، از سوی دیگر اندیشمندان مسلمان بر ابعاد جمعی توسعه نیز بیشتر از ابعاد فردی آن تأکید کرده‌اند» (نگاهداری، ۱۳۸۶، ص. ۹).

در یک نگاه کلی می‌توان به بررسی تطبیقی میان پنج مکتب توسعه و پیشرفت پرداخت که مؤلفه‌های اصلی آنها در جدول زیر بررسی شده است. سه ستون اول جدول (مکاتب نوسازی، وابستگی و جهانی‌سازی) با الهام از کتاب توسعه و تغییر اجتماعی الوین. ی. سو (۱۳۹۶) منقح شده است.

جدول (۵): بررسی تطبیقی مکاتب توسعه و پیشرفت

مکتب نوسازی	مکتب وابستگی	مکتب جهانی شدن	مدرنیته اسلامی	مکتب پیشرفت
توسعه جهان سوم	توسعه جهان سوم	سامانه‌های ارتباطی در نظام جهانی	توسعه جوامع اسلامی	پیشرفت جوامع انسانی
موضوع تحقیق	موضوع تحقیق	موضوع تحقیق	موضوع تحقیق	موضوع تحقیق
سطح بالای انتزاع و تأکید بر فرایند عام توسعه	ساختی - تاریخی: رونسق و رکسود کشورهای ملی	پوشش‌های تاریخی نظام جهانی: نظم چرخشی و روندهای درازمدت	نگاه تنزیهی به مدرنیته و تساهلی به شریعت	نگاه ساختی تاریخی: حرکت تاریخ به سوی پیشرفت مادی - معنوی با رهبری امام معصوم (علیه‌السلام)
روش‌شناسی	روش‌شناسی	روش‌شناسی	روش‌شناسی	روش‌شناسی
سنت و نوگرایی	مرکز و پیرامون	الگوی سه‌گانه: مرکز - نیمه‌پیرامون پیرامون	جمع امر مدرن و امر دینی	دنیانگرایی - تعالی‌گرایی
ساختارهای نظری مبتنی بر قطب‌بندی	ساختارهای نظری	ساختارهای نظری	ساختارهای نظری	ساختارهای نظری
ملی	ملی	نظام جهانی - تاریخی	ملی	پیوستار تاریخی و آینده‌گرایی جریان حق در سطح جهانی
سطح تحلیل	سطح تحلیل	سطح تحلیل	سطح تحلیل	سطح تحلیل
اومانیسیم، لیبرالیسم، اقتصاد محوری	سوسیالیسم، اقتصاد محوری	اومانیسیم، لیبرالیسم، اقتصاد بازار آزاد	مسازگاری مدرنیته و شریعت، توسعه انسانی، تساهل‌گرایی دینی	حیات طیبه، تعالی بخشی همه‌جانبه، معنویت‌گرایی
مفاهیم عمده	مفاهیم عمده	مفاهیم عمده	مفاهیم عمده	مفاهیم عمده

مکتب نوسازی	مکتب وابستگی	مکتب جهانی شدن	مدرنیته اسلامی	مکتب پیشرفت
تک بُعدی - ماده گرا	تک بُعدی - ماده گرا	تک بُعدی - ماده گرا	دو بُعدی - تعالی گرا	دو بُعدی - تعالی گرا
نظریات تکامل گرایی و کارکردگرایی	برنامه اصلاحات اکلا و نظریات انقلابی مارکسیسم	ادبیات نو مارکسیستی در زمینه توسعه و مکتب فرانسوی سالگشت	جنبش های اسلامی و بررسی نظری پیشرفت جوامع اسلام گرا	ادبیات قرآنی، نظام برنامه های الهی و مهدویت
اغلب از درون	اغلب از بیرون	از درون و بیرون	عدم تطابق جوامع اسلامی با مدرنیته بر مبنای اقتضات دینی	عدم ادراک برنامه ها، آیات و سنت های الهی و عدم التزام به همراهی تفقهی با آنها در مواجهه با نظام بین الملل
عموماً سودمند	عموماً زیانبار	سودمند	سودمند	سودمند
خوش بینی	بدبینی	خوش بینی	خوش بینی	تکاملی
گسترش رابطه با غرب	کاهش ارتباط با مرکز همراه با انقلاب سوسیالیستی	گسترش بازارهای ملی و حرکت عمودی در اقتصاد جهانی	جابجاء شناختی آن بر مبنای تعالی جوامع انسانی در ساحات مختلف زیست دنیایی و دینی	تعریف پیشرفت و مسیر آن بر مبنای تعالی جوامع انسانی در ساحات مختلف زیست دنیایی و دینی
حسن و عقل	حسن و عقل	حسن و عقل	حسن و عقل و وحی	حسن و عقل و وحی و آیات الهی

نتیجه گیری

نظریه ها و الگوهای رایج توسعه سه دوره مختلف را تحت عنوان سه مکتب نوسازی، وابستگی و جهانی سازی طی کرده است. اگرچه کشورهای معدودی سعی در پیمودن مسیر توسعه از طریق ارائه مدلی غیر از الگوهای رایج توسعه غربی نموده اند، ولی در عمل سرانجام همه مدل های توسعه در چهارچوب نظام لیبرال و بازار آزاد و با چشم پوشی از بُعد معنوی وجود این عالم و ابنای آن بوده است. غایت تمام این مکتب ها نیل به مکتبی عام و جهان شمول می باشد که از طرفی بتواند پاسخگوی ذهن پُرتلاطم بشریت امروز بوده و از طرفی دیگر دارای انعطاف و سیالیتی باشد که بتواند خود را با اقتضاهای ادوار مختلف تاریخ و اقتضاهای گوناگون ملت های مختلف تطبیق دهد. همان گونه که بیان شد مکتب ها و اندیشمندان غربی در راه رسیدن به این مطلوب تلاش های بسیار کرده و نسخه های مختلفی را در بوته آزمون قرار داده اند لکن به یک ممشای آرام بخش و ارضاکنده نرسیده اند. در پاسخ به این نیاز و دستیابی به مبنا و

الگویی از توسعه که آسیب‌های موجود در مکتب‌های مختلف توسعه را نداشته باشد، در این نوشتار سعی کردیم به کشف و استخراج برخی از گزاره‌های محوری نظریه پیشرفت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای بپردازیم. همان‌طور که در تحلیل مضمون مفاهیم توسعه و پیشرفت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای تبیین شد، پیشرفت مطلوب در اندیشه ایشان از سویی مبتنی بر نظام برنامه‌های الهی و مفاهیم بلند دینی در ساحت‌ها و ابعاد مختلف زیست‌دنیایی و معنوی قابل مطالعه می‌باشد و از سوی دیگر به‌خاطر لحاظ شرایط بومی و اقتضایی ملت‌ها و نظام فرهنگی و هویتی آنها، دارای رویکرد انعطاف‌پذیر و اقتضائی بوده که هر جامعه‌ای برای نیل به تعالی می‌تواند از آن استفاده کند. از طرفی دیگر از آنجایی که از مبانی فقهی و فکری یک رهبر اجتماعی و سیاست‌مدار جهانی برخوردار است، به‌عنوان یک رهیافت دینی برای برون‌رفت از گره‌ها و تنگناهای امروز بشریت در حوزه پیشرفت جوامع به‌شمار می‌آید. پیشرفت از منظر ایشان به‌منزله حرکت از سنت به تجدید نمی‌باشد، بلکه کرامت‌بخشی (۱)، حرکت (۲) و رشد (۳) همه‌جانبه (۴) و هماهنگ (۵) آحاد جوامع انسانی (۶) به سطوح متعالی ارزش‌های الهی (۷)، در عین توجه به تأمین نیازهای زیست‌دنیایی (۸) و برقراری تعاملات اجتماعی و فرهنگی (۹) بر اساس حقوق و حدود الهی (۱۰) و در قالب شکل‌گیری نظام حکمرانی شایسته (۱۱) آن می‌باشد. برخی از دال‌های مرکزی این نظریه مبتنی بر مطالعات فوق به این شرح می‌باشد: غایتمندی پیشرفت بر محوریت ایمان به خدا و غیب و پیوستار برنامه‌ها و آیات الهی برای رسیدن به سرزمین صالح، کرامت‌بخشی به تک‌تک مردم و جوامع مختلف انسانی در جایگاه بندگان خدا و نه بردگان جوامع استعمارگر، توجه توأمان به زیست مادی و معنوی، تلاش برای حرکت به سمت حکومت قرآنی و دین‌محور، حضور دائمی عنصر عدالت به‌عنوان مهم‌ترین بخش پیشرفت، توجه به مادیات به‌منزله ابزار و وسایل نیل به سوی تکامل نه هدف تکامل، توجه به فرهنگ به‌عنوان عمیق‌ترین ساحت جامعه. همچنین سایر مؤلفه‌های پیشرفت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای که بیانگر تفاوت بنیادین آن با سایر مدل‌های توسعه غربی است را می‌توان این‌گونه احصا کرد: وجود نظام اقتصادی توحیدی و پرهیز از نظام بازار آزاد لیبرالیسم غربی، شکوفایی استعدادها و فطری تمام افراد در کنار احساس برابری در بهره‌مندی از امکانات جامعه، حضور معنویت به‌عنوان سنگ‌زیربنای پیشرفت، لحاظ کردن بُعد معنوی و الهی انسان و جامعه در مبانی و برنامه‌های پیشرفت.

کتابنامه

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- اردلان، فریدون (۱۳۸۱). توسعه فرهنگی از دیدگاه یونسکو (مجموعه مقالات توسعه فرهنگی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و فروتن، فاطمه (۱۳۹۶). الگوی توسعه اجماع‌پکن: بررسی مبانی فکری و اندیشگی. راهبرد توسعه، (۵۱)، (۲۹)، ۱۴۳-۱۷۱.
- اسماعیلی، محمدمهدی (۱۳۹۴). مبانی اندیشه‌ای در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با تأکید بر سیره علمی و عملی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه). مجله نشریه جستارهای سیاسی معاصر، ۶(۴)، ۱-۳۰.
- اصغری، محمود (۱۳۸۵). مبانی دین و توسعه در اندیشه شهید مطهری. مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۵۷(۳۶)، ۱۴۳-۱۷۸.
- اینگلهارت، رونال و ولزل، کریستین (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی. ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- توسعه انسانی و اعتماد اجتماعی (۱۳۹۱). توسعه اجتماعی. جلد ۲۴، ش ۶، ۱۰۵-۱۲۶.
- بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1245810>
- جمالی، حسین و ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی توسعه و دموکراسی در برزیل. مجله مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، (۲۸)، ۷۳-۱۰۴.
- چهاردولی، عباس (۱۳۹۴). کاربردی عملیاتی در کاربردی‌سازی علوم انسانی اسلامی «ارائه الگوی مهندسی فرهنگی راهبردی با رویکرد سیستمی پرمبنای اندیشه‌های رهبر معظم حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)». مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، ۳(۱)، ۱۹۷-۲۳۴.
- حائری، سیدکاظم و یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۰). اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر. مجله اقتصاد اسلامی، (۱)، ۴-۲۱.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹): <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10664>
- خلیلی، مصطفی (۱۳۸۲). فرایند توسعه در اسلام از نگاه امام خمینی و علامه طباطبائی. مجموعه آثار کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).

- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹). *صحیفه نور*. تهران: انتشارات سروش.
- رجایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۵). *منطق فعالیت اقتصادی از دیدگاه علامه طباطبایی در مقایسه با اقتصاد کلاسیک*. *مجله معرفت معرفت اقتصاد اسلامی*، ۲۰(۱۴)، ۵-۲۴.
- رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۲). *دموکراسی قدسی*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و دنیای معاصر.
- روشن، امیر و آذرکمند، فرزاد (۱۳۹۵). محمد عابد الجابری؛ چرایی انحطاط مسلمانان و راه‌هایی از آن، *مجله حکمت و فلسفه*، ۱۲(۴)، ۶۵-۸۴.
- رئوفی، محمود (۱۳۷۴). *دانشگاه و توسعه فرهنگی*. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۰(۳)، ۷۹-۱۰۶.
- ساعی، احمد (۱۳۸۳). *توسعه در مکاتب متعارضین*. تهران: قومس.
- سوادی، عصمت (۱۳۹۴). *مدیریت فرهنگی و توسعه از دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)*. *پژوهشنامه متین*، ۶۸(۱۷)، ۲۳-۴۲.
- شیرزادی، رضا (۱۳۹۳). *نوسازی توسعه جهانی شدن*. تهران: نشر آگه.
- شیرزادی، رضا (۱۳۹۶). *کشورهای نوظهور و ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل؛ (برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی)*. *مجله سیاست (دانشگاه تربیت مدرس)*، ۱۶(۲۰)، ۳۷-۵۶.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۱). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
- عابدی‌جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). *تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی*. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۲۵(۲)، ۱۵۵-۱۹۸.
- عرفانی، گوران (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی رویکردهای توسعه‌گرایانه هند و چین*. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۷(۷)، ۴۳-۵۰.
- عزتی، مرتضی (۱۳۷۵). *رابطه فرهنگ و توسعه از دیدگاه حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)*. *پژوهشنامه فرهنگی*، ۱(۱)، ۹-۳۴.
- عزتی، مرتضی (۱۳۷۵). *فرهنگ و توسعه از دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۷). *نظریه‌های جهانی شدن و دین*. تهران: نشر نی.

- لکزایی، نجف و اسم‌حسینی، غلامرضا (۱۳۹۱). الگوهای توسعه سیاسی با تأکید بر اندیشه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه). *مجله مطالعات انقلاب اسلامی*، ۲۹(۹): ۳۵-۶۰.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- محروق، فاطمه و حاجی کریم جباری، محمدرضا (۱۳۹۷). مدل توسعه چین. *مجله سیاست (دانشگاه تربیت مدرس)*، ۱۸(۱)، ۸۷-۱۰۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). *اسلام و مقتضیات زمان*. ج ۲. قم: انتشارات صدرا.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۵). سازگاری معنویت و مدرنیته. *مجله بازتاب اندیشه*، ۷۷(۷)، ۴۴-۵۳.
- موسوی‌پور، سیدفرید (۱۳۸۲). فرهنگ و توسعه از دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه). *نمایه پژوهش*، ۲۵(۷)، ۲۴۹-۲۸۲.
- ناظمان، حمید و اسلامی‌فر، علیرضا (۱۳۸۹). اقتصاد دانشی هند الگویی برای توسعه پایدار در ایران. *مطالعات شبه قاره*، ۳(۲۵)، ۱۶۹-۱۴۵.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۶). سنت‌گرایی علیه بنیادگرایی. *مجله بازتاب اندیشه*، ۳۶(۳)، ۲۲-۳۲.
- نگاهداری، بابک (۱۳۸۶). جهان معاصر: توسعه فرهنگی از نگاه اندیشمندان اسلامی. *مجله زمانه*، ۵۸، ۵۶-۶۴.
- نوذری، حمزه (۱۳۹۶). نقد و بررسی آراء و اندیشه‌های متفکران مسلمان درباره رابطه میان دین و توسعه به منظور تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (مورد مطالعه: نصر، ملکیان و شریعتی). *دو فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، ۳(۶)، ۹۵-۱۱۸.
- نوریس، پینا و اینگلهارت، رونالد (۱۳۹۵). *جهانی شدن و تنوع فرهنگی*. ترجمه عبدالله فاضلی و ساجده علامه، تهران: سپیدان.
- هریسون، دیوید (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه*. ترجمه علیرضا کلدی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- ی سو، الوین (۱۳۹۶). *تغییر اجتماعی و توسعه (مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی)*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, (3), 77-10.